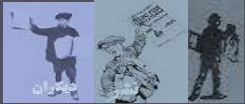


در عظیم خلوت من! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست . (فریدون ایل یگی)
به سراغ من اگر می آئید / نرم و آهسته بیایید / مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهائی من . (سهراب سپهری)

(ماه روزانه های دیروز ... و امروز)

نشر دیگران

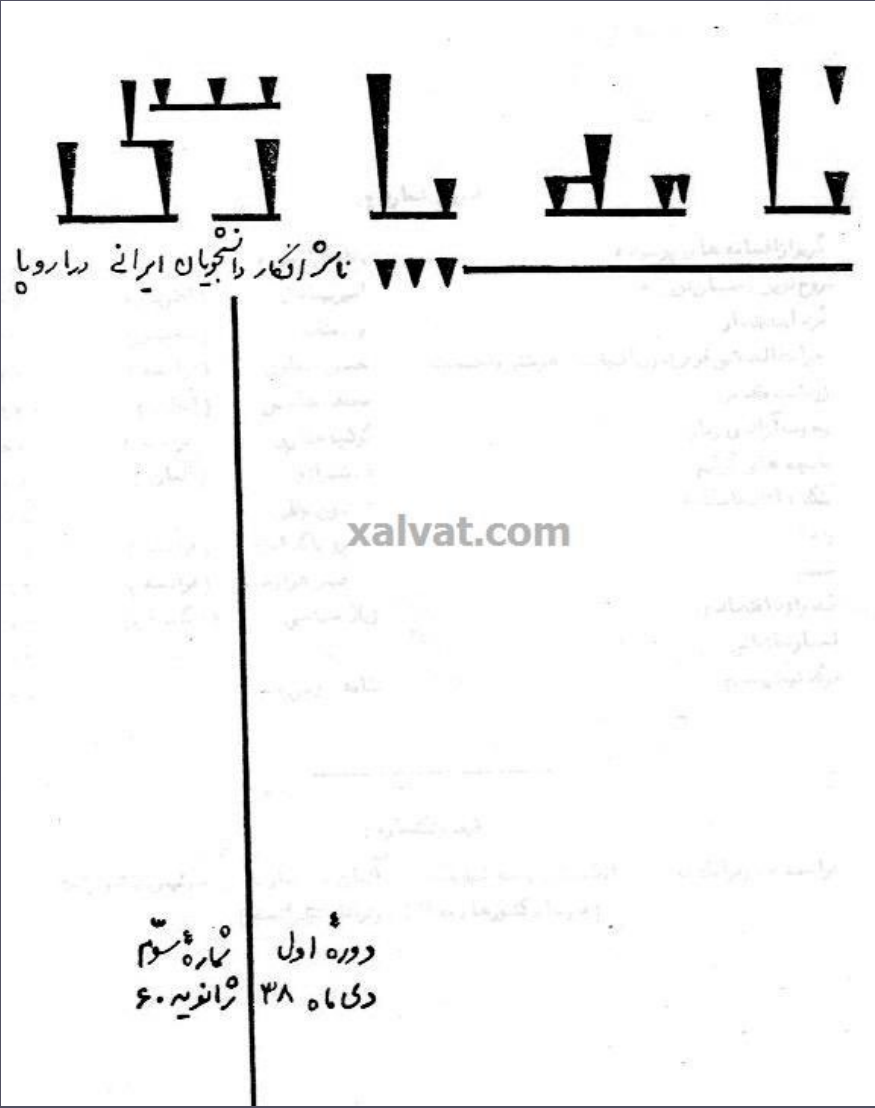


فهرست موضوعی : ادب و هنر دینی سیاسی مارکسیستی ویژه نامه ها فهرست الفبائی آمده ها

دیگر نشر : 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17

727

نامه پرسی ، دوره اول ، شماره 3 ، دی 1388



دین شماره :

۱۲۸	نامه پاریسی *	گزیر از افسانه های پوسید *
۱۳۱	امیریناد ل (اطریش)	روح نوین ، جهان نوین *
۱۳۷	م منصور (سوئیس)	مرداب پندار
۱۳۹	حسن صفاری (فرانسه)	چرا مطالعه بی غرض در ریاضیات بر هر ملتی واجبست
۱۴۷	محمد جاسی (آلمان)	زرتشت مقدس
۱۵۰	کوکب صفاری (فرانسه)	و جوب آزادی زنان
۱۵۵	ا شیرازی (آلمان)	ما بچه های گرگیم
۱۵۸	فریدون توللی	بَنگ (ازال تفاسیل)
۱۵۹	خسرو پاکد امن (فرانسه)	راه اتوبیل رو در ایران
۱۶۲	منوچهر هزارخانی (فرانسه)	سند یگالیمس در انشجویی
۱۶۷	زیلا سیاسی (انگستان)	حد و اژه اقتصادی
۱۷۲	-	اخبار سازمانی
۱۷۵	نامه پاریسی *	مرگ نیما یوشیج

xalvat.com

قیمت تک شماره :

فرانسه = د و فرانک نو	انگستان = سه شیلینگ	آلمان = د و مارک	سوئیس = د و فرانک
(د رسایر کشورها ، معادل د و فرانک نو فرانسه)			

نامه پاریسی

نشر انکسار دانشجویان ایراند اروپا

شماره سوم

د ماه ۱۳۳۸ - ژانویه ۱۹۶۰

دوره اول

xalvat.com

گوشی د رتمیین اصول و مقاصد سازمان های د انشجویی

گزیر از افسانه های پوسید

جنب و جوشی که د رکسورهای اروپائی ، برای گسترش روح همکاری میان د انشجویان ایرانی و تشکیل سازمان های صفی برپا شده ، د همه جا ، کم و بیش باد و مخالفت پوشیده و وینهان رو بر گردیده است .
د سته ای د رجستجوی ثواب آخرت و راه یافتن به بهشت خوشبختان هم وکم به گوش نشسته اند و خود را از چنین امور نیوی د ورنگه داشته اند . اینان که از جمع گیزانند و کج خلوت راهبرهای وهوی پرامید فعالیت های اجتماعی رجحان می د هند ، د رگوشه ای می نشینند و جز د رنغی کشش و کوشش سخنی نمی گویند .
د سته ای د پگرتشنه کوشش و کشنده ، اما آکده از بدینی و یاس اینان د رخلوت خویش جز از تلا و جنبش و پژوهش گفتگوئی نمی کنند ، از رنج هارنج می برند ، اما فریاد تلخ خود را د رگلونگه سپید آرند . حرمان و تنویرگی چنان نشان د و خود گرفته است که توانائی حرکت و جنبش برایشان نمانده است . د رجحان تاریک اینان ، روزنه امید ی نیست ؛ تنها هی وسای هی چنان سلطه ای گرفته است که جز به باران خود کسی را رخصت و اجازه جنبش نمی د هد . هر که می جنبد و می کوشد از تنباه شدگان و به تنباه پیوستگانست . د رقاصوسراپشان ، هر کوششی خود نشانه ای از تنباهست . چه باید کرد ؟ کس نمی د اند .
باید نشست و صبر پیشه گرفت و خم مغرور ، با بها خاست و کوشید و شادی نوینی را نوید د اد ؟ باید د رپیچ و خم جدل های بی پایه و صبر افتاد و یاس و وسای هی به د پگران فروخت یا چشم گشود و واقعیت موجود را مطالعه علمی کرد و به حل سختی های کار و همت گماشت ؟

گروه بی شماری که به تشکیل سازمان های د انشجویی و تشویق و تقویت و توسعه نامه پاریسی د مظهر همکاری اروپائی د انشجویان د دل بسته اند ، آنانند که آکده از شور و شوق ، پیروزی روشنائی بر تاریکی و امید بر نا امید ی را نوید می —

د هند . در چنین شرائطی ، مقصود و منظور از فعالیت های صنفی چیست ؟ دانشجویان ایران چه باید بکنند ؟ و هدفشان از فعالیت صنفی چه باید باشد ؟

در شرائط گونی رشد و تکامل جامعه ما ، هر سازمان دانشجویی باید اصولاً در سه زمینه مختلف فعالیت کند . در این مختصر ، از جنبه های گوناگون این فعالیت ها گفتگویی کنیم .

xalvat.com

۱- **فعالیت های صنفی** . هدف این فعالیت ها حل مشکلات زندگی دانشجوییست . نظام اداری غلط مسئولیت ها ایجاد این چنین مشکلاتی است . ازین رو ، سازمان های صنفی باید با دلبری وی هراسی « کاغذ پراکنی » و « اداره بازی » دستگاه های مسئول به مبارزه درآیند و نشان دهند که کار دانشجویان ، کاری قبی و قیقت و باید به کار آنان بهیارد لی سپرد ، شود که از تحصیل علم بهره ای دبد ، باشند و با سرد و گرم زندگی دانش پژوهی بیگانه نباشند . اگر چنین شد کار به آتجامی رسد که منشی « مقررات » خشک وی پایه برد دانشجویان حاکم می شود و زندگی ایشان از آرامش و نظمی که لازم دارد بی بهره می ماند .

سالمست که وجود سازمان ها و اداره های گوناگون گونی (دانشگاه تهران ، دانشگاه های شهرستان ها ، اداره اعزام محصل ، اداره تعلیمات عالی ، سازمان شاهنشاهی دانشجویان ، سازمان برنامه ، اداره های سرپرستی و و) که هیچ یک را مسئولیت مشخص و قیقت نیست و همه را برد اختن به کار دانشجویان و وظیفه است ، جز بیا کردن هفت خوان های اداری تازه و تشدید و تقویت اداره بازی و خلط مسئولیت ، نتیجه دیگری ندارد و حیات علمی و دانش و دانش پژوهی ، ازین چند پهلوی تشکیلاتی طرفی نخواهد بست .

برجامعه های دانشجوییست که بگوشند تا برجای این گتیرا صلاح تشکیلاتی ، سازمانی مبتنی بر اصول صحیح و منطقی قرارگیرد ، سازمانی که از زندگی دانش پژوهی و چگونگی تحصیل علم در دانشگاه های گوناگون کشورهای اروپا آگاهی داشته باشد و با روشن بینی و توجه به احتیاجات حال و آینده کشور سیاست درستی را در سرپرستی دانشجویان انتخاب کند . تنها اتحاد یک چنین سیاست دانشجویی صحیح است که می تواند دانشجویان را از جنگ رقابت ها و لیج بازی های اداری و ولتی رهائی بخشد . همین رقابت هاست که روشن می کند چرا سازمان های دولتی از انتخاب چنین سیاست استوار و بیگانه ای ناتوانند .

چنین سیاستی باید خود گوشه ای از سیاست دانشگاهی کشور باشد . اگر سیاست دانشگاهی باید راه و رسم دولت را توسعه تعلیمات عالی و ترویج تحقیق و تجسس علمی معین کند ، سیاست دانشجویی باید روابط دانشجویان اجتماع را معلوم دارد ، برای اعزام دانشجویه خارج « هدفی انتخاب کند : از چه مقصود دانشجویی بایست به خارج رود ؟ - دانشجویه خارج می رود چون دانشگاه های ایران آن چنان که باید و شاید توسعه نیافته و نمی باید ؛ یاد دانشجویه خارج می رود تا در محیطی که برای فعالیت علمی آماد ، ترست از آنچه ماند اریم و نیازمند ش هستم توشه ای بردارد و در بازگشت توانائی علمی و قتی کشور را بالا برد . این دویکی از هم جد است . انتخاب راه اول می تواند ازین لیاقتی و ورشکستگی ماحکایت کند و نتایج دلخواه بیارنیاورد . اما راه دوم ، اگر به فزائکی اختیار شود ، به احیا ، علم و دانش ایران کمک خواهد کرد . روحیه کند و کاو و تحقیق و توانائی انجام کار علمی هم به مانند بسیاری دیگر از استعداد های بشری به یکسان در دسترس همگان نگارد ، نشد است و ازین رو سیاست دانشجویی باید ، پس از تأمین وسائل تحصیل همگان ، بیشتر کوشش خود را صرف پروراندن این استعداد های گرانبهانا نماید .

سازمان های دانشجویی ، چه در ایران و چه در خارج از ایران ، باید تدوین خطوط کلی سیاست دانشگاهی و دانشجویی را بهیحد گیرند ، چه ایشان بهیتر از هر دستگاه دیگری می توانند جنبه های گوناگون امر را با واقع بینی مطالعه کنند و بر اساس قضاوت های علمی و منطقی اصول چنین سیاستی را گرد آورند :

دانشجو کیست ؟ دانشجو کارگرمست که بهیتر به نیروی فکر خود کاروی کند . ازین رو ، جامعه همانطور که با قبول و

اجرای قوانین کارگری ، می گوشت تازندگی کارگران را بهبود بخشد ، با تنظیم سیاست دانشجویی باید به وضع کارگران فکری نیز توجه نماید . روشن است که در بین میان آنان که در فرهنگ تحصیل می کنند امتیازی بر دانشجویان دانشگاه های ایران ندارند . دانشجویان دانشجویست و رسیدگی به کاروی باید هدف سیاست های دانشجویی باشد .

چنین سیاستی باید بر اصل « همکاری » و « اداره مشترک » استوار گردد ؛ نمایندگان دانشجویان باید در اداره امور مربوط به خود فعالانه شرکت داشته باشند ؛ توزیع جاذبه ها ، اعطای هزینه تحصیلی ، تغییر مقررات اعزام محصل و و و در محل تحصیل ایشان باید با شرکت دانشجویان نمایندگانشان بررسی و تعیین گردد . حل و فصل امور دانشجویی ایرانیان در اروپا به آن می ماند که در بیرخانه دانشگاه تهران در شهرتوکیو ، واشنگتن یا ژنم مستقر شود و از آنجا ، مع الواسطه به اداره کارهای دانشجویان دانشگاه تهران بپردازد و به صدای بلند بگوید که این گوشش عیث نیست و ماد رگا خود کارآمد و کار - د انیم ویکایک دانشجویان برای شناسیم و از گرفتاری های زندگی ایشان خبرداریم .

نیازی نیست اگر گفته شود که تدوین اصول چنین سیاستی جز با همکاری همگی سازمان های دانشجویی میسر نیست . بدین سبب ، باید از هم اکنون کوشش تا سازمان های دانشجویی ایرانیان در اروپا ، در نخستین انجمن خود ، رسیدگی و بررسی این مهم را دستور کار روز خود قرار دهند . تشکیل چنین انجمنی می تواند از هدف های کونی سازمان های دانشجویی شود و زیرا که موفقیت و پیروزی دانشجویان با میزان هماهنگی و همکاری سازمان های دانشجویی بایکدیگر نسبت مستقیم دارد . هر چه زودتر باید نمایندگان جامعه های دانشجویی گرد هم نشینند و با انتخاب د فتراتی به نخستین پایتختی اتحاد به واحد اروپائی را بپذیرند .

xalvat.com

اما مسائل صنفی نمی تواند و نباید تنها هدف فعالیت سازمان های دانشجویی باشد . چنین کاری فقط از خود پرستی و کوتاه بینی حکایت می کند ؛ در جهان پر آشوب کونی ، یکی از امید های جامعه ایران به جوانان نیست که امروز در گوشه و کنار دانشگاه مشغولند و فردا ، خواه ناخواه ، بخش مهمی از نیروی فکری و معنوی کشور را تشکیل می دهند . جامعه ایران ازین کتاب خواند ها ، ازین با سواد ها ، ازین فرهنگ رفته ها ، می خواهد که در رفع غل و رماندگی و فروماندگی کشور خود کوشش مؤثرتری بنماید . فقط خود پسندان و کوتاه بینانند که می توانند از توجه به چنین رسالتی سرباز زنند و تمام مسائل وجود را در دعوی ، از د ولتی ، و « از آزاد » خلاصه کنند . چنین مبارزه ای به تنهایی ارزش وجود ندارد . ازین رو ، سازمان های دانشجویی همرا توجیه دقیق به مسائل صنفی ، باید به فعالیت در زمینه های دیگر نیز بپردازند .

ب - فعالیت علمی و فرهنگی . - از اهل علم و فردای ایران ، بسیاری امروز در دانشگاه ها ، آزمایشگاه ها و مؤسسه های علمی اروپا و آمریکا به تحقیق و تتبع مشغولند . ایشان که می خواهند عمری را به پژوهش و کد و کا و علمی بگذرانند ، یکدیگر را نمی شناسند و از همکاران فردای خود خبری ندارند . سازمان های دانشجویی باید بکوشند تا با ترتیب و تشکیل کنگره ها و کنفرانس های علمی ، از امروز دانشمندان فردا را با یکدیگر آشنا و صاحب کسب و کسب علمی واد بی را ایشان بهرورانند . امروز ، خود خواهی ، بد کوشی ، حقد و حسادت و تنگ نظری و د ریک کلام همه آنچه با کوشش و کوشش علمی دشمنی دارد و از همکاری فکری جلوگیری می کند ، در میان روشنفکران و اهل علم جامعه ایران بواج یافته است ، غافل از آن که عد و وجود و روشنفکری که سعه صدرند داشته باشد ، و ارسته و کشاد و نظرنباشد و مراقبت د انا با د انا و راقابت تاجر با تاجر تمیزند هد ، برای جهان علم و دانش یکسانست . این چنین د حیدری و نعمتی بازی که در علم و ادب ایران ریشه د و انید و موجب می شود تا د رجامعه ای که فقط با کوشش مشترک و همگانی ممکنست کار علمی و رستی را آغاز نمود ، هیچ کار و کاوش مشترکی میسر نباشد . - از طریق توسعه فعالیت ها و همکاری های فرهنگی و علمی د ر میان دانشجویان ، سازمان های صنفی می توانند در ایجاد روحیه انتقاد ی و احیا و محیط فعالیت و کار علمی گام های بلند ی بردارند .

اما نباید پنداشت که تنها عوامل فردی و شخصی در انحطاط علم و دانش د خالت دارد . علم از جامعه جدا نیست و د رماندگی علم زائید د فروماندگی اجتماعست . د ر غمار آینه د ازین نکته گفتگو خواهم کرد .

نامه پرسی

« روح نوین ، جهان نوین »

در آستانه تمدن و فرهنگ نوینی قرار داریم ؟ تاریخ بشریت تمدن ها و فرهنگ های متعدد و بی بو وجود آورد ماست . در قرن گذشته و نیمه اول قرن حاضر ، شاید بتوان تمدن بشری و فرهنگ حاصل از آن را تمدن و فرهنگ ایمان و عقاید واید ثور- لوزی هانا مید . اما در نیمه دوم قرن حاضر ، این فرهنگ جای خود را به مکتب نوینی می دهد که عده ای از طالع کشتگان اوضاع جهان به آن « فرهنگ علمی » نام داده اند .

xalvat.com

گرچه انقلاب صنعتی قرن نوزدهم خود نتیجه تحولات بزرگ علمی بود ، با این حال دانش و دانشمند هنوز در اداره جامعه آن زمان نقش درجه دوم را داشتند . اما امروز مسیر جوامع بشری درجهت این است که دانش و دانشمند دارند نقش اول را در اداره جامعه به عهد می گیرند و تمدن و فرهنگ نوین علمی بشر را بوجود می آورند . تحولی که جیمس وات با ماشین بخار در قرن نوزدهم بوجود آورد ، در مقایسه با تحولی که استفاده و مسالمت جویانه از نیروی انسانی در صنعت و زندگی بشر بوجود می آورد بسیار ناچیز و نظری می رسد . اگر در قرون گذشته فرضیه های انسانی و التون اساس رویای علوم را بنیان نهاد ، فرضیه روترفور و تجزیه شدن آنچه جزو لا یتجزی اعلام شد ، بود علامت عهد جدید است . اگر در گذشته فرماندهان نظامی مشاوران درجه اول سیاستمداران بودند ، در حال حاضر نظریه و توصیه دانشمندان در مذاکرات سیاسی نقش اول را بازی می کند ؟ اداره جوامع بشری و روابط بین المللی اینک چنان زیر نفوذ دانش و دانشمند قرار گرفته است که در آینده و نیز در یک ، خواهی نخواهی ، دانشمند پانجای سیاستمدار را خواهد گرفت ؛ سیاست نیز به تمام معنی کلمه در ارد علمی می گردد .

جنگ جهانی اخیر و پیروزی انسانی حاصل از آن و سعی و کوشش بعدی شوروی برای جبران عقب ماندگی خود و پیروزی او در رین صحنه و انقلاب اکثریت گذشته های پنج ساله و هفت ساله و چهار ساله که در کشورهای مختلف معمول گردید و اصولاً « کار مطابق نقشه » که رویهم رفته آن را می توان « اصول برنامه گزاری » نامید ، دست بدست هم داده بشریت را در آستانه عهد نوین « فرهنگ علمی » قرار داده است .

قدرت مخرب نیروی انسانی فرامین صریحی به بشریت میدهد که جنگ را به عنوان وسیله حل اختلافات بین المللی محکوم می سازد و کم رقابت تسلیحاتی را — که خود علمی شده است — تهدید به رقابت صرفاً علمی و تسخیر فضا و سایر عوامل طبیعت می کند . توسعه دانش و تربیت دانشمند خود بطور علمی سازمان داده می شود . امروز دیگر قدرت کشورهای صنعتی بزرگ یا ظرفیت توسعه صنعتی آینده آنها با تولید فلان میلیون تن آهن و فولاد و ذغال انداز گرفته نمی شود ، بلکه از روی عده و کارشناسان و متخصصین و تکنیسین هایی که آن کشوری تواند تربیت کند ، سنجیده می شود . حتی تسخیر آسیا و آفریقا شکل تازه ای بخود گرفته : امروز بیکر کشورهای آزاد شده آسیا و کشورهای آفریقائی که همه در صد آزاد شدن هستند ، مانند قرن نوزدهم در مقابل ارتش های مهاجم قدرت های بزرگ قرار دارند ، بلکه مورد حمله و هجوم تکنیسین ها و کارشناسانی هستند که قدرت های بزرگ می خواهند به کمک آنها نفوذ خود را اعمال کنند و کشورهای آسیائی و آفریقائی و آمریکائی لاتین را به بین وسیله بموی خود جلب نمایند .

با وجود این که قدرت تولیدی و قدرت سرمایه گذاری و نیای غرب بر شوروی برتری و تفوق واضحی دارد ، در چند سال اخیر مقامات مسئولیت در این نیای غرب به نگرانی شدیدی دچار گردیده اند . پناه به اقوالی که برخی از آنها مبالغه —

آمیز اعلام شد ، گویند : تکنیسین ها و کارشناسانی که دولت شوروی به تنهایی تربیت می کند از مجموع تربیت شدگان آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان غربی و ایتالیا افزون ترست . از همین رو ، عدّه زیادی از شخصیت های صلاحیتدار رجحان اعلام خطر کردند و یکی از نشان - که نامش افشاء نگردد بد - در مجله معروف " نیو استیتسمن " (۱) مقاله ای نوشت که به بعضی از نکات آن درین جا اشاره می شود . تانسل جوان مانیز به اهمیت رسانتی که در دانشگاه ها و اردو ارس غنی ایران و اروپا و آمریکا دارد توجه بیشتری داشته باشد .

شخصیت مذکور در مجله معروف انگلیسی زیر عنوان " روح جدید ، دنیای نوین " می نویسد : " ما اکنون در بحبوحه بحرانی هستیم و آن سخت ترین بحرانی است که باید بران فائق آمد . این بحران نامرئی است : بحرانی حزن آورتر و هراس انگیزتر از آن در رسان های گذشته بوجود نیامده است . ما همه باید به اعلام خطر " سرفرانسیس سیمون " (۲) گوش فراد همیم مجموعه جهان علم و صنعت در حال تحولی است که هنوز نامی بران نگذاشته اند ؟ برای این گداز این تحول بتوان پیروز شدند بهرین آمد ، عوامل بسیاری لازمست اما بالاتر از همه گروهی دانشمند ضروریست که نه مآوئه آمریکا حتی تربیت آن عدّه را آغاز هم نکرد ، ایم . "

نویسند : این اعلام خطر ، ضمن اشاره به ضرورت تغییر و تحول در اصول آموزش و پرورش می گوید : " تغییر اساس نظام پیچیده ای که بطور جدیدی و اساسی در ساختمان طبقاتی جامعه مانفوذ کرده بسیار دشوارست اما باید متوجه باشیم که اگر این تغییرهای ضروری را ندیم ، چه فاجعه ای پیش خواهد آمد . " سپس برای پی بردن به اهمیت تغییراتی که از لحاظ تکنی لازمست ، توجه به مقایسه آماری می شود که مختصری از آن درین جا نقل می شود : " در آمریکا و روسیه و انگلستان ، دانشجویان معمولاً تا حدود سال های ۲۱ تا ۲۲ عمود تحصیل مقدمانی درجه اولی را کسب می کنند که در آمریکا و انگلستان آن را با کالورثا و در روسیه در بیلم می نامند . عدّه این درجه در ایران طی در ۱۹۵۴ ازین قرار بود : است (اعداد بین هلالین عدّه آنان را نسبت به یک طبعین جمعیت نشان می دهد) :

علوم نظری	علوم تطبیقی	
۲۳۵۰۰ (۱۴۴)	۲۲۵۰۰ (۱۳۷)	آمریکا
۱۶۰۰۰ (۵۶)	۶۰۰۰۰ (۲۸۰)	شوروی
۵۲۰۰ (۱۰۵)	۲۸۰۰ (۵۷)	انگلستان
۳۴۵۰ (۶۷)	۴۴۵۰ (۸۶)	آلمان غربی
۱۷۶۰ (۴۱)	۲۹۸۸ (۷۰)	فرانسه
۲۱۵ (۴۴)	۳۹۹ (۸۲)	سوئیس
۲۴۳۶ (۵۱)	۲۲۰۰ (۴۵)	ایتالیا

(آنچه درین جا علوم تطبیقی نامیده شده ، معناتی کمی وسیع تر از آن دارد که تکنولوژیست یا مهندسان خوانده میشوند .)
روس ها اعلام کرده اند که تا سال ۱۹۶۰ عدّه مذکور رفوق را ، هم در علوم نظری و هم علمی ، پنجاه درصد بالا خواهند برد . "

نویسند : مقاله پس از بحث دقیق در باره تربیت کار رفته در مراحل مختلف ، نتیجه ای می گیرد که قسمی از آن اینست : " از اعداد و ارقام بالا و نتیجه بدست می آید که یکی از آنها اهمیت جهانی و دیگری اهمیت محلی دارد . نتیجه اول : در حالی که در زمینه علوم نظری روس ها شمار بیشتری دانشمند باری آورند ، در زمینه علوم علمی و تطبیقی به تنهایی بیش تر از تمام آمریکا و اروپای غربی ، دانشمند تربیت می کنند "

(1) New Statesman (2) Sir Francis Simmon

پس از این مطالعات مربوط به کثرت دانشمندان ، توجه به کیفیت تحصیلات مقدّماتی و عالی می شود و مقدّمات در علوم در برنامه مدّارس متوسطه و غیر آن مورد بحث و مطالعه قرار می گیرد . در مدارس شوروی ، به علوم طبیعی یعنی فیزیک و شیمی و . . . بیشتر توجه می شود و چند درصد بیشتری برای این مواد اختصاص داده شده است ؛ هدف کونینسم بدست آوردن دنیای طبیعی است ؛ برای بدست آوردن دنیای طبیعی ، باید آن را شناخت ؛ بنابراین همه کس در شوروی اساساً اصول علوم طبیعی را باید خوب فراگیرد . اساساً به سیستم تربیتی شوروی بر روی این اصل قرار دارد . " نظرنویسنده مقاله اینست که بعضی از رسوم و آداب مذهبی و دینی و غیره وقت زیادی از دانش آموزان و دانشجویان را بیهوده تلف می کند ، بی آنکه نفعی برای زندگی واقعی و علمی اجتماع داشته باشد . و این رسوم و آداب ریشه دارست که دانشجویان غربی را از لحاظ کیفی نسبت به دانشجویان شوروی در وضع بدتری قرار می دهد و ایجاد تشبیه و تحول را مشکل تر می سازد .

xalvat.com

اخیراً ، در جرائد کشور ما " معمای دیلمه های بی سواد " مطرح شده است . دانشگاه تقصیرات متوجه وزارت فرهنگ می داند و وزارت فرهنگ تقصیرات متوجه طرز تربیت معلم در دانشگاه می سازد . اما در حقیقت ، تقصیرات در آموزش و تربیتی است که هم دانشگاه و هم وزارت فرهنگ پذیرفته اند . بی آنکه درین جا وارد جزئیات شویم ، فقط از لحاظ موضوع مقاله حاضر ، به این نکته اشاره می شود که اساساً آموزش و پرورش در ایران نیز باید متوجه علوم دقیقه و خاصه علوم طبیعی شود .

نگاره فرهنگی اسام . در دنیا نخست ویرجاست بدو نتیجه سال گذشته ، تصمیم گرفت که در برنامه مدّارس تعلیمات دینی و ورزش را زیاد کند . حال آنکه در حقیقت ، نه تعلیمات دینی اثری از دین و نه هب واقعی در بردارد و نه ساعات ورزش اثری از ورزش — زیرا ساعات ورزش عملاً ساعات ولگردی و بیگاریست . تعلیمات دینی هم بجای آن که ایمان و عقیده متکی به علم در نسل جوان ایجاد کند ، معلم را مجبور می سازد که مثلاً برای دختران و پسران دوازده ساله انواع غسل ها از قبیل غسل جنابت را تعلیم دهد و معلم و محصل هر دو دین پست عجیبی گیر می کنند ؛ معلّم نمی تواند توضیحی درباره آن برای دختران و پسران دوازده ساله بدهند و دانش آموزان نمی توانند از آن چیزی یاد بگیرند . و آن کودکان زود رس نیز که چیزی از غسل جنابت درک می کنند ، جنبه مذهبی آن نیست بلکه جنبه جنسی آنست ، یعنی به خود جنابت توجه دارند نه به ضرورت و لزوم غسل مربوط به آن . در کلاس های بالاتر ، هم معلم و هم محصل ، این نوع تعلیمات را مسخره می کنند ، اما به عنوان ضرورت مربوط به امتحان فرا گرفتن آن را قیلاً قیلاً بجا می آورند .

آنچه از همه قابل توجه ترست اینست که تغییر رویه بدین برنامه ، مثلاً اضافه شدن تعلیمات موسوم به دینی به ضرر تعلیمات علمی ، تا بهی از سیاست روزست ؛ فعلاً چون به تناسب فلان گونه تبلیغات فلان را در پی لازم می آید که چند روحانی نما را از خود راضی نمایند و یا مثلاً با کونینسم مبارزه کنند ، توسل به اوهام و خرافات — نه توسل به مذهب و ایمان واقعی — را ضروری تشخیص می دهند . در حالی که موفقیت بزرگ کونینسم ها با توسل و توجه به علم است . عده ای هنوز تصور می کنند با ضربه علمی کردن تعلیم و تربیت و توسل به خرافات (نه مذهب) می توان با کونینسم مبارزه کرد . مقاله مذکور درین مورد می نویسد ؛ " این ها علامات و نشانه های شروع تمدن و فرهنگ علمی " است . این تحول به " فرهنگ علمی " است که ایمان و عقیده دانشمندان چون برنال و ژولیو کوری را به کونینسم جلب می کند . حتی علی رغم ضعف های روشنفکری (از نوع مسئله مربوط به لیسنکو و ساقل مشابیه آن) که برای ما تحمل ناپذیرست ، کونینسم دانشمندان بزرگی را بخود جلب می نماید زیرا آنان به این عقیده رسیده اند که با طول زمان به معنای عمیق و دقیق . کونینسم و علم وحدتی را تشکیل می دهد . اگر امریکا و انگلیس بنویسند خود گروه بزرگ و معتنا بهی دانشمند — که دارای روح علمی باشند — تربیت نکنند ، نخواهند توانست ثابت نمایند که برنال و ژولیو کوری را اشتباه اند . "

اصطلاح " روح علمی " داشتن خاصه در کشور ما باید مورد توجه قرار گیرد . باید جوانان از کودکی به علوم

د فیه و طبعی ایمان و عقیده میدهد. در عین آنکه به مدد هب و مسائل اخلاقی توجیهشان جلب شود ؛ اما ایمان پیدا کنند که مثلاً برای خوب و درست کار کردن دعا و توسل به خدا نتیجه ندارد و با بقرن مولانا د باتوکل زانوی اشترا باید بست .»

xalvat.com

نقش نسل جوان در انشمنده . رسالت جوانان ایران :

منظور از تشریح مطالب گذشته ، جلب توجه نسل جوان ایران به یکی از مهم ترین مسائل عصر رسالتی است که جوانان ایران در سرنوشت آینده مهین خود به عهد د دارند . در حالی که د ول غریب و امریکا ، با وجود صنعت و علوم پیشرفته خود ، این نگرانی ها را دارند ، تکلیف ما با همسایگان و سرحدات وسیعمان معلوم است . بی هیچ شک و تردید ، باید حادثه و تحول مهمی در وضع کشور ما پیدا آید تا ایران بتواند در مقابل قدرت حوادث جهان مقاومت کرد ، از استقلال گذشته ، موجودیت خود را حفظ کند . از این حادثه با تحول مهم ، آنچه مربوط به موضوع مقاله حاضر و نسل جوان د انشمنده ست که د در دانشگاه های اروپا و ایران به کسب علم اشتغال دارند ، اینست که آنها به اهمیت کارشناسان و صاحبان فنون خوب توجه داشته باشند و مخصوص به این اهل ایمان بیاورند که ازین پس ، مانند گذشته ، د انشمنده و مشخص صاحب فن تنها به اداره کارخانه و صنعت قناعت نخواهد کرد و زیر نظر سیاستمداران انجام وظیفه نخواهد نمود . ازین پس ، رسالت د انشمنده ان صاحبان فنون اداره علمی جامعه خواهد بود . خواهی نخواهی ایران نیز در نتیجه فشار محیط و همسایگان باید به این تحول و پیشرفتی که آن را دوران د فرهنگ علمی نام نهاد ، اند تن در دهد . با توجه به این وظیفه مهم تاریخی - که جریان بزرگ حوادث زمان انجام آن راه عهد د جوانانی که بخصوص د اروپا و امریکا مشغول کسب علم و دانش اند ، گذارد ، است - جوانان د انشمنده ایران باید علاوه بر کسب رشته علمی و فنی خود ، د مسائل کلی و اجتماعی نیز مطالعه کنند و خود را برای انجام رسالت تاریخی خود آماده و مهیا سازند .

با توجه به این وظیفه و رسالت ، نگرانی آنهاست که ، با از روی عدم توجه به عظمت رسالت خود و با از روی کوتاهی نظری ، درین فکر هستند که آیا پس از مراجعت ، کارنامه ای به آنها محول خواهد شد یا نه ، بگویی مورد و بیخ بنظر میرسد . این جامعه موسوم به ایران از فرزندان خود که در خارج مشغول تحصیل و اشتغال دارند - و همانطور که گفتیم تاریخ این رسالت را بعد د آنان گذارد ، است - که بیایند و امرو این جامعه را مطابق ^{تشیب} علمی جهان امروز اداره کنند و بر سرست های خود قرار گیرند . اگر بنا باشد تا ده بیست سال د بگرایانی باقی بماند ، باید کشور ما هر چه زود تعجب ماندگی خود را با سرعت جبران کند . فرمان صریح تاریخ و ضرورت اجتناب ناپذیر اوضاع جهان ایجاب می کند که نسل جوان د انشمنده اداره امور کشور را بدست گیرد . ترس و واهمه از چند نفر بی سواد یا یک مشت بی هنر و فاسدی که د رؤس بعضی از مقامات باشند و این انتظار را داشتند که سرنوشت نسل جوان د انشمنده را آنان تعیین کنند ، بسیار کوتاه نظرانه است .

هم اکنون د ایران صنایع و تأسیساتی بوجود آمده - و مقدار پرد بگری د و شرف بوجود آمد نیست - که احتیاج به اداره شدن دارد . آنچه ماکم داریم قدرت مدیریت و اداره علمی و فنی و کار مطابق نقشه استند دین جا ، فقط آنچسبوط به تهیه کار فنی و علمی است مورد بحث می باشد) . نقش بزرگ کشورمانند اشن برنامه کارویا کار مطابق برنامه و نقشه است . این تناقض را در نظر بگیرید که از یک سو با صرف مبالغ هنگفت از طرف وزارت فرهنگ و اخذ مبالغ هنگفت از مردم د رمد ارس متوسطه ما - که نام علمی آنها گذارد ، اند - در مقابل چند صد نفری که حق ورود به دانشگاه ها را دارند ، چندین هزار جوان د بهیله تربیت و یا تولید می شوند و هر ساله ازمد ارس متوسطه بیرون داده می شوند ، چنان که د حال حاضر د مقابل د هزار نفر که ظرفیت کنونی دانشگاه ها است چندین د هزار نفر د اطلب موجود ست و هر سال نیز ده ای برانها افزوده می شود ؛ از سوی دیگر ، در مقابل این تولید مافوق احتیاج د بهیله ، نقص و فقدان کارشناسان و متخصصینی را داریم که بتوانند مثلاً در نقشه کشی فنی و سایر کارها صنایع جوان ما را اداره کنند .

هم اکنون متخصصین فنی و تکنیسین های خارجی که حقوق های پنج یا شش هزار تومان می گیرند د ر ایران فراوانند

که بجای آنها رسید تا دوازده سال می توان ایرانیان را تربیت کرد . این تناقض را چگونه باید توضیح داد ؟ از طرفی تولید مافوق احتیاج جوانان در پیله که شش سال عمر خود را در ارس متوسطه تلف کرده اند و اینک خیل عظیم در پیله های بی - کاره وی سواد مشکل اجتماعی و تربیتی گردیده است و با سرنوشتی وی ولایتگینی و فساد روحیه آنان ، آئینه تمام نسل جوان را تشدید می کند ؟ و از طرف دیگر فقه ان اکیمنان و متخصصین فنی و پراستور که برای تربیت آنان بیش از دوازده سال وقت لازم نیست . آنها در صورتی که وقت و مطالعه و نقشه ای در کار باشد ، نمی توان امتحانات نهائی در بیروستان ها و سابقه ورودی در دانشگاه را یکی نمود و این امتحان را متلاسه سال پیش آورد و پس از دوره اول متوسطه عدول لازم برای دانشگاه را با نظارت فرهنگ و دانشگاه انتخاب کرد و هم چنین در دوره سه ساله دوم دانشگاه فرهنگ با همکاری و نظارت توأمان این عهد را برای دانشگاه آماده و مهیا سازند و بدین ترتیب هم مشکل در پیله های بیسواد را حل کنند و هم بقیه مد ارس متوسطه جوانان را بهبود و بکاره تربیت ننمایند تا اینان نیز آزاد شوند و از هم اکنون به دنبال مطالعات و کارهای فنی روند و بیش از تلف کردن وقت و عمر خود روزی به مد ارس فنی و حرفه ای دهند که برخی از آنها اینک بیش و کم آماده برای کار شده است . بنابرین بزرگترین مشکل ما از لحاظ تربیتی اینست که از یک طرف نقشه و برنامه کلی برای کشور وجود ندارد و از طرف دیگر آنچه مورد بحث بخصوص ماست مقام و مرجعی وجود ندارد که با توجه به صنایع و تاسیساتی که بوجود آمده است و یا باید در هر چند سال در کشور بوجود آید . بتواند احتیاجات آنها را از لحاظ کارمند ان فنی و کارشناسان و تکنیسین ها در نظر بگیرد و فرهنگ و دانشگاه و سایر مؤسسات تربیتی را از این اوضاع مطلع سازد و همکاری مطالعه شده ای برای تربیت کار فنی میان فرهنگ و دانشگاه و دانشگاه های خارج بوجود آورد . می گویند هر محصل ترك كه در خارج تحصیل می كند از هم اکنون وزارت خانه و اداره و حتی نوع شغل و صیبا ما شنیده او باید در پشت آن كار كند معلوم و معین است و دانشجوی ترك با تماس گرفتن در اتم با محل کار خود ، خویش را برای آن آماده می سازد .

حالا که مقامات رسمی کار مطابق نقشه نمی کنند ، خوب است اتحادیه های دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا خود از هم اکنون به فکر خویش و حفظ ارباب و رفقای جوانشان که برای تحصیل به اروپا میزیت می کنند ، باشند . برای تقسیم کار و تعیین رشته تحصیلی ، سازمان های دانشجویی ایرانی در اروپا و آمریکا می توانند کمک فراوان و مؤثری به دانشجویان عازم به خارج بکنند . البته این کار در صورتی امکان پذیر است که سازمان ها بتوانند در فترت خارج از ایران تأسیس کنند و با ایران و مقامات فرهنگی و دانشجویی تماس دائم و قیق داشته باشند و احتیاجات صنعتی و فنی و اجتماعی ایران را در نظر بگیرند و جوانان را وادارند که بیشتر به کارهای فنی و علوم تطبیقی و عملی بپردازند . اگر اتحادیه های دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا در فترت از این نوع بوجود آورند ، شاید مقامات رسمی و فرهنگی نیز بخود آئینده به احتیاجات صنایع و مؤسسات توجه کنند و بتوانند با همکاری با اتحادیه های دانشجویان هم تکلیف یکی از مهم ترین وظائف تربیتی را (که در عین حال اقتصادی نیز می باشد) انجام دهند و هم اتحادیه های دانشجویی و اعضا آنها از هم اکنون با مسائل و مشکلات اجتماع خود آشنا می گردند و برای وظائف آئینده و سازمان دادن به کارها و ورزش و ترویج شوند . و این خود تأثیر روانی و تربیتی فراوانی در بردارد .

از این مطالعه می توان این نتیجه را گرفت که نسل جوان و دانشمند ما در خارج از ایران نه تنها خود را برای مسئولیت ها و وظائف آئینده که بیشتر جنبه علمی و فنی دارد . باید مهیا و آماده نماید ، بلکه از هم اکنون ، در رشد و امکانات ، باید شرائط پیروزی خود را با این گونه کارها فراهم سازد .

xalvat.com

×××

کشور ما در یکی از پرجنب و جوش ترین چهارراه های حوادث مهم جهان امروز قرار دارد . در همسایگی ما یکی از نیرومندترین کشورهای جهان با متحرک ترین رژیم اجتماعی و اقتصادی در اتماد رجال رشد و تکامل و توسعه است . این موقعیت حساس رسالت بزرگی به عهد و نسل جوان ما می گذارد . هر چند در کشور ما یک سلسله اقدامات عمرانی و تولیدی شروع شده و طرح هایی نیز برای اقدامات دیگر وجود دارد ، با این همه کشور ایران هنوز نتوانسته است از این پست قرون وسطایی رهائی

باید و به آن ساختمان اجتماعی که بزرگ ترین مانع رشد و توسعه اقتصاد ی است پشت پا بزنند . بنابرین با کمال تأسف باید ادعانمود که ما هنوز ، آن چنان که باید ، در راهند ای جاد و رشد و نمو اقتصاد ی هم وارد نشد ه ایم . از طرف دیگر ، سرمایه و ماشین آلات نیز نقد ر کافی برای یک برنامه وسیع نداریم . اما آنچه نسل جوان ما در خارج از ایران و در اخل این سرزمین ، بد و ن توجه به این نواقص و عدم امکان ها ، می تواند و باید انجام د هده ، تربیت خویش و بوجود آوردن آن گروه های فنی و علمی است که سرانجام روزی برای ورود د رجاء و رشد و توسعه لازم و ضروریست و باید با سرعتی بی نظیر آن راه را پیش گرفت .

یکی از صاحب نظران مسائل جهان امروز ، در بحثی که راجع به «فرهنگ علمی» نوین می گردیم ، درباره نگرانی از پیشرفت علمی شوروی می گفت : « تمدن و فرهنگ کنونی ما غیر علمی و حتی قستی از آن ضد علمی است . روس های خواهند حد اکثر دانشمند ان را تولید کنند و موجود ی را که استعداد د دانشمند شدن دارد هرگز از دست نمی د هند ؟ آنها مدعی هستند که هیچ کشور و دست طبعی قادر نخواهد بود بیش از ایشان اهل علم و فن تولید یا تربیت نماید . یک ربع دانشمند ان و گروه های فنی شوروی را دختران و زنان بوجود آورد ه اند . آنها هیچ چیز اعجاز آمیزی انجام نداده اند جز این که مسائل را از لحاظ علمی و فنی مورد دقت و نظر قرار داده اند . مسئله برای دنیای امروز این نیست که آیا آنها مایل هستند تمدن و فرهنگ علمی را که در شرف طلوع است به د بزنند یا نه ؟ برای گنیه کسانی که میل دارند استقلال و موجودیت خود را حفظ کنند ، د ب زدن این تحول امری ضروری و فرمان تخلف ناپذیر تاریخ است . اگر تاده یا پانزده سال دیگر نسل جوان ایران به این فکر نیفتد ، حتما د ب ر شد ه و کار از کار گذشته است . نسل جوان و دانشمند ایران از هم اکنون باید خود را برای د ست گرفتن سرنوشت ملت خود و برای ساختن جامعه ای که بطور علمی اداره شود ، آماده سازد . هر سال و حتی شاید هر ماه بحساب می آید . از دست دادن عامل زمان و یا استفاده بموقع از آن تاثیر انقلا بی خواهد داشت .

جوانان و دانشجویان ایرانی د ر اروپا این نکته را نیز نباید از خاطر د ورد ارنده که اینک د ر کشوری صنعتی و توسعه یافته مشغول تحصیل و مطالعه هستند تا سرانجام د ر کشوری عقب مانده مشغول کار شوند . پس شرایط کار آینده د خویش را نباید فراموش کنند و از هم اکنون باید با کشور خود تماس نزدیک و دقیق داشته باشند و اوضاع اجتماع و محیط کار آینده خود را مطالعه کنند . سازمان های د انجوشی بخوبی می توانند و باید این وظیفه مهم را به عهد گیرند . د ریافت ها و مراکز مهم جهان امروز و د ر سازمان ملل متحد مطالعات قابل توجهی راجع به طرز کار د ر کشورهای عقب مانده به عمل می آید . د انجویان و د بران آینده د جامعه ایران باید د رجریان این مطالعات باشند . رسالت و وظیفه ای که برای آینده به عهد د نسل جوان و دانشمند ایران گذاشته شد ه د ر حقیقت وقوع و عملی شدنش به یک معنی مانند معجزه ایست . اما عصر ما و مطالعات و اقدامات علمی این عصر ، معجزه را ممکن و اراده غلبه بر مشکلات ، آن را ضروری و اجباری می سازد .

xalvat.com

امیر بهنادل

و شمربیان همچان هائی است که
بهنگام اراض روح در خاطرزند و می
شوند . «
پل والری

xalvat.com

مرداب بندار!
xxxxxxxxxxxxxxxx

آنجا که ره بازست بر سودای باطل
بومی زند هر شب در آن وادی خیالم
هر روز برد امان گرم و گنگ بند او
سر می نهید رخساره سرد ملالم
(آنجا که بر سنگ سپید کوهساران
امواج زرین غرقه در خوابی طلائیست
آنجا که بر برج بلند آسمان ها
آفتاب از شعله ای گرم و خناتست)
+++
آنجا بر آن پیراهن شب سوز اختر
فانوس کرم و رهنمای کاروان ها
آنجا که در خوابند چشم سوساران
در زیر سنگ سایبان ها
آنجا که خون پاشیده از رگ های هراهر
بر جامه سیاهگون آسمان ها
آنجا که باد دُزد سر می ساید آرام
بر پیکرستان کوه سالخورد
با آنکه می مالد به نرمی سینه و سر
برد ره تاریک ماران فسرده

آنجا که از لجنه شیطان می جهد برق
تا بر خیمالتی خیره گردد دیده ای تار
آنجا که از شلاق سحرآمیز دیوان
درهای خون جگر است در اعناق هر خار !
آنجا ، در آن دریا کار و زهره از
در سایه های سرد ساحل
در کاسه های چشم امیال
صد ها و صد ها خانه در هر گوشه برپاست
هر خانه گور آرزوی نیمه پیدا است
آنجا مزار آرزوی سرشکسته ست
آنجا ست گور سرد نفرین شبانه
آنجا ست شیون و رگبوی خشم ها خشک
آنجا ست در نیای هراس کودکان
آنجا در آن مرداب وحشتناک پندار
از هول جان کوری چراغی بر فروزد
تا لاشه نموده هر آرزو را
ماری به دندان گیرد و سر پیچد از راه
.....
.....
این سرسرای تیره' خوفست و نفرت
وین جان فرتوت منست آن گور ترسو !
م. منصور
ژنو - دسامبر ۱۹۵۹

چرا
xxx

مطالعه بی‌غرض در ریاضیات
xxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

برهرطبی واجبست
xxxxxxxxxx

xalvat.com

این مقاله را من برای کسانی که علم را به خاطر نفس علم دوست می دارند نمی نویسم ، بلکه روی سخند با کسانی است که ارزش هر عمل را در نفع مادی که از آن حاصل می شود می دانند و حتی در تحقیق و تجسس علمی حساب سود و زیان را می کنند . من می خواهم به این سوداگران متاع علم نشان دهم که تحقیق عمیق و جستجوی بی‌غرض در ریاضی غالباً بزرگترین منافع را بوجود می آورد و حتی چندین بار از بیخ و بن وضع زندگی مادی بشر را تغییر داده است . بحث درین که مطالعه ریاضیات لزست عقلی بیهوده است : بر روی کره خاک از دماغه آمید نیک تا شبه جزیره گاسیاتا و از ارض النارتا کوئتلند هر جا مکتبی و مدرسه ای و دانشگاهی هست در آن ریاضی درسی می دهند و ریاضی می خوانند . همه اقوام و ملل دنیا صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی ، صرف نظر از نژاد و ملیت ، درین مقام اتفاق کلمه دارند و به زبان واحدی حروف می زنند . علت این موضوع آنست که زندگی بشر مشتمل بر دین و حساب و امکان پذیر نیست . از کوچکترین اعمال زندگی روزانه گرفته تا بزرگترین اقدامات علمی و صنعتی ، همه جا باید حساب کرد . تا کار حساب به انجام نرسد و عمل ریاضی در آن خاتمه نیابد ، دست به اسباب و ابزار دراز نمی شود و مقام عمل و اجرا همیشه نتایج محاسبه حاکم و راهبرست . پس گفتگو در فوائد مطالعه ریاضی مثل اثبات « فوائد امانت و مخارجهان » است و من نیز قصد ندارم که از فوائد امانت و دیانت صحبت کنم .

اگر بر حسب اتفاق یکی از مجلات ریاضی را که حاوی اکتشافات جدید ریاضی دانان است باز کنید ، می بینید که این اشخاص به محاسباتی می پردازند که هیچ صند سر دانشمندی از آن ها سر در نمی آورد ؛ از موجوداتی گفتگوی کنند که هیچ کدام وجود خارجی ندارند ؛ از فضاهایی با اساسی عجیب و غیرعادی بحث می کنند که عدد ابعاد آنها را پتناهی است و اصطلاحاتی بکار می برند که نه فقط هیچ کس آنها را نمی فهمد ، بلکه در هیچ قاموسی هم معانی آنها را نمی توان یافت . اگر در یکی از مؤسعات تحقیق و تجسس در ریاضی وارد شوید ، با مردمی متفکر و غالباً پولیده موی مواجه می شوید که اغلب چین و رابرو افکنده اند ، گاهی ساعت هایی حرکت به تفکری می پردازند چنان که گویی غم عالم بر آنها روی آورده است ، ناکهان برقی در صورت یکی ظاهر می شود ، ظم را برمی دارد و چندین صفحه را از اشکال و علامات پُری کند ، خط می زند ، از نوی نویسد ، پاره می کند ، دوباره به تفکری می پردازد ، برمی خیزد کتابی را از قفسه بیرون می کشد و در او اسط آن فقط چند سطری را می خواند و به جای خود می گذارد و خلاصه اعمال غیرعادی می کند و حتی گاهی احتیاجات زندگی روزانه را نیز فراموش می نماید . اغلب این اشخاص به وضع ظاهر خود بی اعتنا هستند ، برای القاب و عناوین ارزشی قائل نیستند و حتی به افتخارات و احترامات نیز توجهی ندارند . علاقه آنها فقط به گذری فایده ایست که انجام می دهند و کسانی را دوست می دارند که کار بی فایده ایشان را در رک کنند و به کسانی احترام می کنند که مانند ایشان کار بیهوده انجام می دهند و مشکلاتی را که با آنها مواجه شده اند حل می نمایند . این اشخاص گروه ایجاد کنندگان دانش ریاضی هستند و من می خواهم از منافع مادی عظیمی

که از عمل بهیود % این اشخاص حاصل می شود، گفتگو کم وفاییت مقصودم رسید نه این نتیجه است که همه ملل عالم، حتی آنها که در راه علم پیشرفت نکردند، اند، اگر طالب عظمت و سرفرازی هستند باید در پی راه خود همراه با هم تین اختیاجات محسوس خود به این عمل بهیود بهیود ازند .

متفکرین و ایجاد کنندگان دانش ریاضی مولود تمدن جدید نیستند، بلکه از قدیم ترین ادوار تمدن بشری وجود داشته اند. این اشخاصی که کسی کار ایشان را در یک نعلی کرد و در حاشیه اجتماع می زیستند غالباً مورد تمسخر اطرافیان خود قرار می گرفتند و بسیاری از ایشان در فقر و بختی جان سپردند. کپلر، واضح نجوم جدید، همه عمر خود را در فقر و محنت بسر برد. آبل (Abel) دانشمند نروژی که از امضات ریاضی دانان همه قرون و اعصار است در بیست و نه سالگی از شدت تنگدستی به مرض سل در گذشت در حالی که حتی یک نفر در کشور نروژ حرف او را نمی فهمید. اوارست گالیوا (Galilei) از اهل فرانسه که از اجدادیه های ریاضی بود و قسمت مهمی از ریاضیات و فیزیک جدید موهون اکتشافات اوست در بیست و یک سالگی در گذشت در حالی که اجتماع نادان و حق ناشناس را مسئول مرگ خود معرفی می کرد. در امتحان نه رسه پلی تشکیل او را از دست زد، زیرا فهم متعین قاصد بود که روش های استدلال او را در یک گنند، ناچار تخته پاک کن را بر سر متحن کوبید و از جلسه امتحان خارج شد؛ واکاد می علوم فرانسه در حاشیه مقاله ای که برای ایشان فرستاده بود نوشت "نا مفهوم است" و حتی در اواسط قرن نوزدهم در کشور آلمان که از مکتب مهم ریاضی جهان بود بی به اهمیت اکتشافات ریاضی دان بزرگ هیرمان گراسمن (Grassmann) نبردند و این دانشمند از غصه هلاک شد.

xalvat.com

امروز نیز در کشورهای عقب افتاده جهان وضع بهمان منوال است و استعداد های خارق العاده درین سالک ندای نادانی اجتماع می شوند. امام رسالک بزرگ وضع بکلی تغییر کرده است: اگر ریاضی دان بزرگی را و طلب کار باشد، در انشگاه های مختلف جهان برای استخدام او بزرگ بکسبقت می گیرند و همه وسائل تحقیق و تجسس را در اختیار او می گذارند. نیروی دریائی ارتش امریکا - که قطعاً کارهای دیگری غیر از تشویق علم بی غرض دارد و مؤسسه خیرات و نهنگوکاری هم نیست - یکی از مهم ترین دستگاه های تحقیق در ریاضی را اداره می کند و به ریاضی دانان، بدون انتظار نتیجه، آتی از کارشان، حقوق و جایزه میدهد. دانشگاه پرینستون در کشورهای متحد امریکا مؤسسه ای دارد که در واقع بهشت ریاضی دانان و فیزیکدانان جهان است. علمای ریاضی و فیزیک می توانند سال ها درین مؤسسه اقامت کنند و به تفکر و تفحص مشغول شوند و همه وسائل آسایش زندگی برای ایشان فراهم شده است و هیچ کس موی دماغ ایشان نمی شود و از آنان نتایج مفید و قابل تبدیل به پول نمی خواهد و حتی مجبوری به درس هم نیستند. در فرانسه "مرکز ملی تحقیقات علمی" (C.N.R.S.) حقوق های گزاف به صد ها ریاضی دان و فیزیک دان و حیاتیات شناس و غیره می دهد که در خانه خود بنشینند و به تجسس علمی مشغول شوند و حتی چند تن ایرانی نیز درین مؤسسه کاری کنند بطوری که درین کشور تحقیق علمی شغل ثابتهای شده است و محصلین از او اخراج و در متوسطه خود را برای این کار مجهزی سازند. نظیر این مؤسسات در غالب ممالک دیگر اروپایی نیز وجود دارد. در قاره آسیا، کشور هند وستان فعالیت بزرگی در راه تجسس علمی قمار کرده است و کشور ژاپون از پیشقدمان تحقیق در ریاضی در عصر جدید می باشد و بدون تردید می توان فعالیت ژاپون را درین مورد همراه با کشورهای آلمان و فرانسه و روسیه شوروی و ممالک متحد امریکا مافوق تمام ملل دیگر عالم قرار داد.

چون من قصد ندارم درین مقاله در اصطلاحات فنی ریاضی که برای خوانندگان بی اطلاع از آن ملال آور خواهد بود وارد شوم، برای آن که بتوانم علت این تغییر احوال را شرح دهم به در چند مثال و شاهد تاریخی می پردازم:

۱- پیدایش قانون جاذبه عمومی - فلاسفه یونانی که در جستجوی زیباییاتی بودند و فقط محصولات مجرد فکر آتی می رامیستودند و آنچه را که جنبه عملی داشت بهیست می شمردند، در ۲۵۰۰ قبل ازین دانش هندی را بنیان نهادند و از جمله در باره خواص مقاطع مخروطی نظریه (ثوری) کاملی بوجود آوردند. قرن ها که شدت و این نظریه ها فقط وسیله وقت گذرانی متولین دانش - در دست ورهبانان در پرها بود. در قرن شانزدهم میلادی، کپلر با کمک این خواص توانست بدون اتکا به تجربه فقط به

كلك است لال و محاسبه قوانین حرکت سیارات را به دور خورشید کشف کند که هنوز نیز با تقریب ناچیزی صحت و اعتبار دارند و نیوتون با انگاه به قوانین کپلر به كلك محاسبه قانون جاذبه عمومی را بنیانها (د استان سقوط سیب از درخت افسانه ابلهانه ای بهیشت نیست) و هرکس که مختصر اطلاعی از علوم داشته باشد میداند که قسمت اعظم دانش فیزیک و تمام مکانیک عصر حاضر که همه اکتشافات صنعتی بر آن متکی می باشد نتایج طبیعی قانون جاذبه عمومی است.

۲- نظریه ریاضی الکترومغناطیس . - در اوایل قرن نوزدهم میلادی ریاضی دان فرانسوی آمپر (Ampère) در نتیجه الهامی که از تجارب اورستد (Oersted) یافته بود با كلك محاسبات ریاضی قوانین ریاضی الکترومغناطیس و روابط مابین الکتریسیته و مغناطیس را کشف کرد. این قوانین که امروزه هر دانشجوی رشته فیزیک در مقدمات کار خود آنها را می آموزد و بر محاسبات ریاضی نسبتاً مشکلی استوار بود، فیزیک دانان آن عصر را که غالباً فقط اهل تجربه بودند به تسخیر داشت و آن را فقط خیال پردازی (فانتزی) ریاضی جالبی دانستند. اما چند سال طول نکشد که صحت تجربی همه این قوانین به وسیله کسانی مانند فاراد (Faraday) ثابت گردید و الکترونیك جدید از آن نتیجه شد و حکومت برقی (الکتریسیته) در جهان آغاز گردید و وکیست که از تاثیر این حکومت در زندگی آدمی بی اطلاع باشد؟

۳- معادلات ماکسول . - یکی از مشکلات فیزیک در نیمه دوم قرن نوزدهم موضوع ماهیت نور و مغناطیس بود. در حدود سال ۱۸۶۵ دانشمند جوانی از اهل انگلستان که طبعاً ریاضی دان بود و از نظر شغلی در فیزیک ریاضی کاری کرد و با تجربه سر و کاری نداشت به كلك محاسبات ریاضی حیرت انگیزی ثابت کرد که سرعت مغناطیس با سرعت نور برابرست و به كلك این نتیجه را به ما بین نور و مغناطیس و الکتریسیته را معین کرد و نظریه امواج الکترومغناطیس را بوجود آورد که از امواج الکتریک شروع می شود و پس از طی امواج درین قریز و امواج نورانی مرئی به امواج فوق بنفش و اشعه مجهول (ایکس) و غیره منتهی می گردد. ماحصل محاسبات عظیم ماکسول (Maxwell) در معادلاتی خلاصه شده است که امروزه به نام او مشهورست و هرکس با فیزیک ریاضی سروکار داشته باشد آنها را می داند. این نظریه که مافوق فکر نیای آن روز بود و هیچ عیبی بریا گرد بطوری که ماکسول گوشه نشین شد و از مردم گمراه گرفت و در سال ۱۸۷۹ قبل از آن که فتح عظیم نظریه خود را ببیند در ۴۸ سالگی درگذشت، لیکن صحت تجربی نتایج معادلات او در حدود ۱۸۹۰ بوسیله هرتز (Hertz) ثابت گردید. شرح این که دانش فیزیک چه ترقیات بزرگی را مرهون محاسبات ماکسول است نه در صلاحیت من است و نه موضوع این مقاله، لیکن بارها برای من اتفاق افتاده که ساعت ها در مقابل این چند سطر معادله به تفکر فروم. شاید بندرت در مجموعه دانش بشر نتوان چیزهایی یافت که زندگی آدمی بیش از معادلات ماکسول مرهون آن باشد. ماکه در نیای جدید هر روزی خیال از تلفن و تلگراف بی سیم و راد و یوتلویزیون و رادار و غیره استفاده می کنیم و نمی دانیم که همه این ها را مرهون محاسبات دانشمند بزرگی هستیم که راه را به فیزیک دانان و مخترعین نشان داد. اگر می توانیم از هزار ها کیلومتر عکس ها را منتقل سازیم و اگر از جانب نا پدید ای کره ماه عکس برمی داریم و آن را به کره زمین منتقل می سازیم همه را کم و بیش مرهون امواجی هستیم که ماکسول سال ها قبل از پیدایش آنها همه را به چشم محاسبه دیده بود و هنوز نیز نتایجی که می توان از معادلات وی بدست آورد و پایان نیافته است.

۴- درباره نظریه نسبیتی . - شاید دیگر گفتگو از نظریه نسبیتی که اینقدر در اطراف آن سخنان صحیح و عقیم گفته شده است بیفیدل بنماید، اما چون یکی پیدایش آن دلیل بزرگی بر مدعای ما می باشد؛ در اواخر قرن نوزدهم میلادی دو تن ریاضی دان ایتالیایی به نام ریچی (Ricci) و لوی چیویتا (Lévi Civita) با تعمیم بعضی اکتشافات هابلیتون انگلیسی نظریه ریاضی بدیع و مشکلی به نام محاسبه تانسورها یا حساب دیفرانسیل مطلق بنیانها نداد که ارتباط آن با دانش فیزیک و مسائل عظیم بسیار عمیق می نمود. هنگامی که اینشتین در دانشگاه پراگ فیزیک نظری درس میداد و درباره نظریه های خود تفکری کرد، همواره در پی یافتن قالب ریاضی مناسبی بود که بتواند افکار خود را در آن قالب بپزد و درباره آن

محاسبه کند . روزی درین خصوص با پاست (Pabst) ریاضی دان یهودی که بعد ها بدست عمل هیولانه قتل رسید صحبت می کرد و پاست به وی تذکره داد که به نظرات نظریه ریاضی وچی و لوی چیتا منظور وراثت می کند . اینشتین به سراغ مقالات این دو ریاضی دان رفت و بعد از مطالعه آن دید که منظور خود را یافته است و به این طریق نظریه نسبی که اینقدر در نیاید را به آن بحث کرده است بوجود آمد . به احتمال قوی اگر دو ریاضی دان مزبور نظریه خود را بنانند ، بودند ، هرگز نظریه نسبی - که یکی از قوی ترین وسایل کار دانشمندان امروزی باشد و بسیاری از اکتشافات جدید را موهون آن هستیم - پایه مرحله وجود نمی گشت . اکتشافاتی که ریاضی دانان صرف نظر از مورد احتمال آنهایی کنند و آن را در مجموعه بزرگ میراث بشریت قرار می دهند ، نه خیره عظمتی را تشکیل می دهد که گاه و بیگاه علمای فیزیک و مهند سین و غیره به تناسب احتیاجات خود از آن برداشت می کنند و چنان که خواهیم دید نظایر نظریه نسبی چندین بار دیگر تکرار شد و در نهایت امروز متوالیاً تکراری شود .

xalvat.com

۵- داستان حساب احتمالات . - در قرن هفدهم میلادی در ریاضی دان فرانسوی به نام پاسکال و فرما (Fermat) در نتیجه ستواری که در مورد مسئله ای مربوط به قمار از ایشان شد ، برای اولین بار به حساب احتمالات را بنیان نهاده . حساب احتمالات بعد ها در نتیجه اکتشافات ریاضی دانانی از قبیل لاپلاس در اثنای بزرگی شد و در قرن اخیر یکی از مهم ترین شعب ریاضی گردید . شاید همه بدانند که در مسائلی از قبیل آمار و بیمه و بانک و همه شعب اقتصادی و نیز در حیات شناسی و طب ناچه اند از اهمیت حساب احتمالات استفاده شده است و نیز اهل فن مطلع هستند که حساب احتمالات چه نقشی را در نظریه حرکت گازها و بسیاری از مباحث و شیئی فیزیک به وجود داده دارد . لیکن در اوایل قرن بیستم ، بعد از آن که نظریه نسبی و مخصوصاً نظریه کوانتا (Quanta) بوجود آمد که انتقال انرژی را انفصالی می دانست ، جبرئلیت و معلولی که قرن ها بنیان اصلی دانش فیزیک و مکانیک را تشکیل میداد شکست یافت و حکومت امور مطلق دانش فیزیک را ترک گفت و قطعیت جای خود را به احتمال داد و حساب احتمالات که تا آن هنگام از مرحله تجربه ریاضی قدم فراتر نرفته بود وارد میدان عمل گردید و فیزیک جدید بر بنیان آن استوار شد و بار دیگر مسائلی که ریاضی دانان به صدای ذوق شخصی به مطالعه آن پرداخته بودند از آنها بزرگ و خایر علمی خارج شدند و بزرگ ترین خدمات را به حل مسائل علمی دانش انجام دادند .

۶- متغیر موهومی و موارد استعمال حقیقی . - در اوایل قرن نوزدهم میلادی یکی از بزرگ ترین ریاضی دانان فرانسه به نام اوگوستن کوشی (Cauchy) نظریه توابع با متغیر موهومی را بنیان نهاده که با فعالیت فکری در نیای آن روزها هنگام نبود و سرورسده ای بسیار پراگنده اخت و فقط شخصیت خارق العاده ایجاد کند و مزبور باعث پیشرفت آن شد . بحث در چگونگی این نظریه و تأثیر آن در دانش ریاضی ، موضوع این مقاله نیست . همین قدر متذکر می شویم که این بحث بزرگ ترین موضوع مطالعه ریاضی در قرن نوزدهم میلادی گردید و در کشورهای آلمان و فرانسه به متباحث ترقی رسیده و همه شعب دیگر ریاضی کم و بیش تأثیر کرد . اما نکته جالب مورد استعمالی بود که مطالعه جهان موهومات در مسائل حقیقی فیزیک و تکنیک از قبیل الکتریسیته و مکانیک گازها و غیره پیدا کرد . شرح موضوع ازین قرار است که غالب توابعی که در مسائل اساسی صنعت و فیزیک به کار می روند توابعی هستند که آنها را توابع هارمونیک می گویند و مثل اینست که طبیعت با این نوع توابع لطف خاص و سرورسری دارد و به دلیلی که هر ریاضی دان وحشی هر دانشجوی لیسانس ریاضی میداند ، مطالعه عمیق در کیفیت و خواص توابع هارمونیک جزایا که متغیر موهومی غیر ممکن است و همین دلیل هیچ مهندس بزرگ و فیزیک دانی نیست که از مطالعه این بحث بی نیاز باشد . نکته دیگر اینست که توابع با متغیر موهومی وسیله ساده ای برای تبدیلات هستند که آنها را تبدیلات هماهنگ (conforme) می نامند و این نوع تبدیلات نقش اساسی را در مکانیک اجسام مترجع و مکانیک گازها و مایعات برعهده دارند و فی المثل مهندسانی که با ساختمان طهارات سروکار دارند خوب می دانند که تبدیلات موسوم به تبدیلات ژوکوفسکی چه نقش مهمی درین کار برعهده دارند .

۷- اصل عدم قطعیت . - در حدود سال ۱۹۲۵ هایزنبرگ (Heisenberg) آلمانی که از پدران فیزیک جدید می باشد

اصل عدم قطعیت را در دانش فیزیک وارد کرد. برای این که این اصل به زبان ریاضی درآید و محاسبه پذیر باشد و بتوان از آن نتایج مفید و عملی بدست آورد به وجود موجودات ریاضی احتیاج داشتند که چون آنها را در هم ضرب کنند برخلاف خاصیت اعداد با تغییر محل نتایج متفاوت بدست آید. کسانی که با ریاضی سروکار داشتند، اظهار کردند که گرچه ازین قبیل موجودات در ریاضی فراوانست و ریاضی دانان برخلاف علمای فیزیک با آنها مأیوس هستند ولی بخصوص نظریه کاملی از موجوداتی به نام ماتریس (matrix) در انبار ذخایر ریاضی وجود دارد که از هر جهت با نظریه هایزبرگ سازگار است و به این طریق نظریه مزبور که امروزی از قطعی ترین وسایل فیزیک هسته ای می باشد وارد در کار فیزیک دانان گردید و بار دیگر استان قدیم تکرار شد. مطلبی که امروزه تما فیزیک جدید با آن سروکار دارد در قرن نوزدهم هم بوسیله در ریاضی دان انگلیسی به نام کلی (Cayley) و سیلوستر (Sylvester) که فارغ از هرگونه فکر عملی بود تدابیر شده بود.

۸- بعضی از موارد استعمال ریاضیات جدید - از مشخصات ریاضیات عصر حاضر، تجربه (abstraction) آن است. امروزه یک ریاضیات علم اعداد و اشکال نیست، بلکه سروکار ریاضی دانان با موجودات مطلق است که تعریف مشخصی ندارند و وجود خارجی آنها محقق نیست و بر روی این موجودات اعمالی انجام می گیرد که عموماً غیر از اعمال عادی حساب و جبر و غیره هستند. ولی نکته حیرت انگیز آنست که روزی نیست که این مجردات ریاضی در عالم عمل کار تازه ای انجام ندهند و من درین مقام فقط به ذکر چند مثال اکتفا می کنم:

- یکی از مباحث جبر جدید (algèbre moderne) به نام تئوری روابط و تئوری که در مواقع باید آن را مبحثی از منطق ریاضی دانست، در سال های بعد از جنگ اساس ساختمان ماشین های الکتریکی محاسبه گردید که بی کک آنها امروزه محاسبه غیر ممکن است.

- مسائل مربوط به فضای هیلبرت (Hilbert) که ریاضی دان بزرگ آلمانی در اصل آن را برای حل بعضی مسائل محاسبه ابداع کرده بود (عدد ابعاد این فضالاتناهی است) امروزه در فیزیک اتمی یکی از مهم ترین وسایل کاری - باشند.

- مسائل مربوط به جواب های غیر عادی معادلات دفرانسیل مکانیک موجی را تحت تأثیر خود قرار داده اند.

- در سال ۱۹۰۱ خانم ریاضی دانی به نام دوبری ژاکوبین (Mme Dubreil-Jacobin) که فعلاً استاد دانشگاه پاریس است (باروش هائی مربوط به جبر جدید مسئله مربوط به تئیدیلات رینولد را حل کرد و موجب بزرگ ترین ترقیات در مکانیک سیالات گردید و جایزه بزرگ آکادمی علوم پاریس به وی اعطا شد.

اگر نخواهیم فقط صورتی ازین موارد ذکر کنیم، شتوی هفتاد من کاغذ شود. همه این امور موجب شد که فیزیک دان بزرگ انگلیسی دیراک (Dirac) که برنده جایزه نوبل و از پیشوایان فیزیک جدید است این عقیده افراطی را بیان دارد که: "هرچیز که از نظر ریاضی دان خارج شود، در پیازود در صنعت و در فیزیک مورد استعمال خواهد یافت."

آیا تحقیق و تجسس بی فرض در ریاضی برای ما لازم است؟

به نظر من نه فقط لازم است بلکه واجب و حیاتی است. بسیار رسکست که به من ایراد کنند که گریه مانیزه تحقیق و تجسس مشغول شدیم درین صورت با بیاعت مزجات خود چه چیزی توانیم بر ذخایر اکتشافات عظیم جهان اضافه کنیم و اگر کردیم از آن چه حاصل می شود؟ آیا بهتر نیست که ما همه کوشش خود را در صنعت و در فیزیک و شیمی و غیره بکار ببریم و هر جا که محتاج شدیم میراث بزرگ اکتشافات جهانی را اختیار ما است: در آن دست می بریم و از آن بهره بریم و این مشکل خود را رفع می کنیم و بیشتر خود را ادامه می دهیم.

من در رد این مدعا دلائل فراوان دارم: نخست آن که بر روی کره خاک مالکی هستند که روی نقشه جغرافیا

وسعت بسیار دارند و حتی گاهی مانند کشور آروانتین بشل وضع ظاهری رضایت بخش دارند، آسمان غراش ها ساخته اند و اقتصاد ایشان رضایت بخش است، اما در دنیا کشورهایی محسوب نمی شوند؛ و مسالك دیگری هستند مانند بلژیک و هلند و دانمارک و سوئیس و غیره که وسعت یکی از ایالات کوچک ما دارند دارند و در نظامی ایشان نیز قوی نیست، لیکن در جهان دارای حیثیت و اعتباری باشند. دسته اول آنها هستند که در کوشش علمی جهان فعالیت از خود بروز می دهند، ولی دسته دوم فعالیت علمی دارند و نام دانشمندانشان بر زبان ها ست، با دیگران همکاری می کنند، بهره می دهند و بهره می گیرند. از کیهان پیکان خرج کردن افتخاری ندارد و محالست تا علمی را که اهل مغرب به وجود آن افتخارند و غویشتن را بد آن ستاز می شمردند به کشور خود منتقل نکنیم، احترامی را که شایسته آن هستیم برای ما قائل شوند، و ریاضیات است که کلید سایر علوم را بدست می دهد. هر مقاله علمی شامل اکتشافات جدید که از دانشمندان ما در مجلات جهان انتشار یابد بیش از صد سخنرانی که راجع به ترقیات کشور خود بد هم مژگن واقع خواهد شد.

xalvat.com

دوم این که باید بدانیم که تعداد آن کسان که قدرت استفاده از ذخیره بزرگ ریاضیات جهانی را دارند و مشکل ها را رفع می کنند بسیار معدود است و وجود شان مغتنم و مسالك مختلف سعی می کنند که آنها را از یک دیگر بپارهند. روزی که احتیاج پیدا کنیم اگر خود وسیله نداشته باشیم کسی به فریاد ما نمی رسد. هر معلم ریاضیات یا هراستاد دانشگاه ازین قبیله نیست. استعدادهای فوق العاده و اطلاع و دانش وسیع و کوشش مداوم و وسعت نظر لازمست و این همه در یک نفر جمع می شود و اگر روزی این احتیاج را بدستی حس کنیم و بخوایم در تربیت ریاضی در آن کوشش کنیم باید این نکته را بدانیم که اگر فی المثل کسانی صاحب همه شرایط اعم از عشق و علاقه، مفرط و استعداد و قدرت کوشش فراوان پیدا کنیم و آسایش خیال او را تأمین نماییم، برای رسیدن به مرحله تجسس واقعی در شرایط امروزی علم جهان در ده تا دوازده سال بعد از طی دوره متوسطه وقت لازمست و تازه از وجود یک یا چند تن چه استفاده ای حاصل می شود؟ باید نسل های متوالی بپایند و تدوین و تشویق کنند و شرایط محیط ایشان را در لاسرود نکند تا بتدریج سنت تحقیق علمی بوجود آید و این کار نه خرج فراوان دارد و نه با تربیت طبیب و مهندس و فعالیت صنعتی ملکت منافات دارد، بلکه بعکس به حال آن مفید است. تنها حُسن نیست و تشویق و تشخیص لازم دارد. ای دریغ که در کشور ما هر قافله صلاحیتی در امر اعزام محصل و توسعه دانشگاه اظهار عقیده می کند و آنها که صلاحیت دارند سخن نمی گویند! در ریاضیات که دیگران پیدا کنند و به هم تنه می زنند که جلویافتند و ما هنوز تردید داریم که حرکت کنیم یا نه!

سوم این که آن دوران که شاگرد از استاد پیشی می گرفت سپری شده است. دانش امروز و تمام شعب معارف آنقدر وسیع است که اگر محصل را همانانی دانشمند و فخر خوانند آشته باشد بکلی در لاسرود و مأیوس می شود و به همین دلیل محال است بطور کلی از زیر دست معلم بد شاگرد خوب خارج شود. و اما در مورد ریاضیات، بدون شک ریاضی در آن بزرگ فقط در سایه تعلیم ریاضی در آنان بزرگ پرورش می یابد؛ فیزیک در آن بزرگ در زیر دست فیزیک در آن بزرگ و ریاضی در آن بزرگ تربیت می گردد؛ مهندسان عالیه در زیر تربیت مهندسان سین نامی و فیزیک در آنان دانشمند و ریاضی در آنان متبحر بوجود می آید و قس علیهذا... پس اگر راستی علاقمند هستیم که آینده صنعتی اساسی داشته باشیم و فعالیت خویش را شخصاً اداره نماییم، ناچار باید به تربیت ریاضی در آنان دانشمند اقدام کنیم؛ و در نهایت امروزی ریاضی در آن کسی است که به تحقیق و تعمص مشغول باشد و همراهِ پیشرفت علمی جهان پیشرفت کند نه آنکه به انتظار بنشیند که دیگران چه می کنند و آنها را بهاموزد.

کوشش ما اکنون در رین راه چیست؟

اکنون خوب است نظری ببینیم و ببینیم که در وضع حاضر در کشور ما چه انداز در رین مورد کوشش می شود. بدون شک ما هنوز از مرحله تحقیق و تجسس بسیار دور هستیم. در کشور ما هنوز بر سر این موضوع مباحثه است که آیا باید جبر

و مشقات در ریاضت متوسطه در رسیده بانه دهند سه را خوبست با استدلال بگویم باید و نباشد لال و کسانی درین مباحث شرکت می کنند که چهار عمل اصلی را هم خوب نمی دانند . هندسه بی استدلال نیز از شاخه های کسانی است که چهار سال قبل برنامه جدید ریاضیات در متوسطه را بنویشتند . خدا نشان توفیق دهد که کار تازه دید یعنی انجام داده اند . در دانشگاه مباحثاتی در ریاضی شده که متأسفانه در داخل تئوری های کلی تروسم تری مستهلک شده اند و آنچه امروز در دانشگاه های مهم دنیا در ریاضی مورد توافق اندراند . استادان ماعوضاً از محیط تحقیق و تفحص و ورهستند و اگر فرض کنیم که هم امروز وضع معاش ایشان تأمین شود و از کار خارج بی نیاز شوند و بخواهند همه اوقات خود را صرف دانشگاه کنند و به کار تجسس علمی بپردازند ، متأسفانه برای آن آمادگی نیستند ، مگر آنکه در سربری بپایند و همچون من چند سالی از نوشاگردی کنند و این عهد می نماید . و گویم که این همت و اراده را داشته باشند ، جانشینان ایشان که خواهد شد و همین در رس ناقص را که خواهد گفت ، مگر این که در دانشگاه را بکنی تخنه کنیم . پس انتظار آنکه در دانشگاه ما ، در وضع فعلی ، مرد عالم اعم از ریاضی در آن و سایر آن تربیت شود ، مطلقاً بیهوده است .

بهینم حاصلی که در خارج هستند به چه کار مشغولند . طبق آمار رسمی مربوط به سه سال قبل در مالک متد آمریکا که بیش از سه هزار محصل ایرانی در آن به تحصیل مشغولند ، هشت نفر ریاضی می خوانند و اند و من در صحت این رقم تردید دارم ، زیرا بکرات دیده ام که کسانی را که در رشته های مهندسی کاری کنند نیز جزو ریاضی خوانان محسوب می دارند . لیکن بنابر احسن تئیت می گذارم و این رقم را قبول می کنم . در عوض در همین سال در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر تعلیم و تربیت می خوانند و اند . من بسیاری از این بزرگواران متخصص تعلیم و تربیت را دیده ام که مدعی هستند روش تدریس علوم را می دانند و بدین که از خود علوم اطلاعی داشته باشند و چون در مباحثه با ایشان تدریسی پیش رفتن دانستم که غالباً مقصودشان آن اند از علوم است که در ریاضی است و این تدریس می شود . پس معلوم می شود که در روانفکسای و نهایی امروز کشور ما از همه بهیشتی به تخصص تدریس در علم و ادب محتاج است . در فرانسه ، عدد و کسانی که ریاضی می خوانند در عدد انگلستان یک دست است . گاهی نیز بعضی از دبیران دانشگاه به قصد تحصیل ریاضی می آیند ، لیکن اینها متأسفانه بیش از خواندن و نوشتن ریاضی علاقه مند هستند که از وقت محدودی که دارند استفاده کنند و عنوانی بدست آورند و تا چهل سالشان نشده است باز گردند و در تئیه انشایی بدست آورند و حق هم بآنهاست ، زیرا در غیر این صورت همین نان بخور و نمیری هم که دارند اجتر می شود . از کشورهای آلمان و انگلستان هرگز آمار رسمی مشروح ندیده ام و حتی نشنیده ام که درین ممالک کسی ریاضی بخواند . از یک رفیق امریکائی شنیدم که در وایرانی را مشغول به تحصیل ریاضی در دانشگاه کپمبریج در انگلستان به تحصیل ریاضی مشغول اشتباه نکرده باشد . و از منبع غیر موثق شنیدم که ایرانی دیگری در دانشگاه کپمبریج در انگلستان به تحصیل ریاضی مشغول است . اگر کسانی دیگر هم هستند که به تحصیل ریاضی در اروپا مشغولند ، اگر در ریاضی کپمبریج یا کپمبریج نیستند ، در کجا هستند ؟ در اروپا بهیتر از این سه کانون بزرگ علمی که سنت دیرین در تحقیق ریاضی دارند جایی نمی توان یافت . در هر صورت اگر بنابر احسن تئیت کامل بگذاریم ، رویهم بیش از بیست محصل ایرانی در خارج از ایران ریاضی نمی خوانند . قبول می کنم که همه این عدد خوب و رسمی خوانند و می پذیریم که تمامی به درجه تحقیق و تجسس میرسند و از خدای خواهم که جملگی حاضر به تدریس شوند و به مملکت خود بازگردند و به ایشان شغل مناسب اعطا شود و با مشکلی مواجه نشوند ، متأسفانه این عدد حتی کفاف جانشینی استادان فعلی دانشگاه معلوم تهران و دانشگاه فنی و دانشسرای عالی را نمی دهند . اگر استادان فعلی که خدایک مواز سرشان کم ننگد به حکم گل نفسان ائمه الموت روزی خرقه تنی کنند ، که جای ایشان را می گیرد ؟ پس وجود استادان فعلی که از هر طرف در معرض حمله و اتهام هستند و من نیز با همه ارادت می که به ایشان دارم بدین سوء نیت بر آنان تا ختم و مقتم است و باید به دشمنان را دانست . شرح این که همین عدد معدود محصل که بهر خلاف جریان شناسی کنند با چه مشکلاتی مواجه هستند و چه گرفتاریها دارند ، به جای خود و فعلاً از آن گفتگو نمی کنم . بگذاریم و بدانیم که من بدین نیست وضع کشوری که می خواهد آیند و صنعتی داشته باشد و احتیاج به هزاران مهندس و متخصص فنی و فیزیکی دارد .

این است وضع مملکتی که می خواهد در هر شهر خود یک دانشگاه تازه بنیان گذارد . مگر این که من اشتباه کنم و در معنی کلمه دانشگاه بین من و بنیان گذاران دانشگاه های متعدد اختلاف وجود داشته باشد .

ایرک تاویل بل مورخ و ریاضی دان امریکائی کتابی به نام ریاضی دانان نامی دارد که در آن از بین هزاران ریاضی دان همه مسمود و اعصابی و سه تن را بر دیگران ممتاز کرده است . ازین عدد و در نفر فرانسوی ، هشت تن آلمانی هستند . گرچه نظر شخصی من آنست که درین تقسیم بندی به مکتب بزرگ ریاضیات آلمانی ظلم شده است . ولی اگر از اولویت قطعی بگذریم و به رسم آنست که کشور فرانسه ریاضی دانانی تربیت کرده است که تا دنیا باید درست نام فرانسه بوجود آنان مفتخر خواهد بود . این عدد را به یاد آن آوردم که بداند چنین کشوری که سنت چند صد ساله در ریاضیات دارد امروز برای تهیه استاد ریاضی دانشگاه های خود در رجعت است . درین صورت ، وای بر احوال ما که حتی در فکر تهیه و پرورش استاد هم نیستیم و خدا امید اند که با این احوال کی سنت تحقیق و تجسس در کشور ما بوجود بپایند . من از ریاضیات گفتگو کردم . آنان که در رشته های دیگر علمی به تحصیل مشغولند نیز هر یک حکایت های گفتنی دارند ، ولی ظاهراً در ریاضیات یعنی ما در همه علوم وضع از همه بدتر است .

باز دیگر تکراری می کنم که در ریاضی که وقت می گذرد . نگاه خود را منوجه بیست سال بعد کنید . پولی را که مملکت ایران بی دروغ و در راه تحصیل دانشجویان خود خرج می کند ، در راه هائی مصرف کنید که در نیاز بود برای ماسئله مرگ یا زندگی ایجاد خواهند کرد . کافرم اگر بگویم که حرف مرا بشنویند ، فقط بنگرید آنها که پیش میروند به چه کار مشغولند و از ایشان پیروی کنید .

پاریس - آبان ماه ۱۳۳۸

حسن صفاری

زرتشت مقدس

بانام زرتشت خاطره ای در وی فراموش نشده در دهن هرا ایرانی زنده می شود . باد آوری از او - از زرتشت مقدس بزرگ - توأم با احساسی گرم و صمیمی است ؛ مثل این که رویای گوارای دوشین در صبحگاه بیداری نرم نرمک دوباره به خاطرمی آید و جان می گیرد . نام زرتشت طعم مطبوع شیر ماد رویا مزه دلپذیر افسانه ای را می دهد که آدم در پیچکی از دایه اش های کرسی و یا منتقل آتش شنیده باشد ، در یک رستان سرد . چرا افسانه ها اینقدر شیرین و دوست داشتنی هستند ؟ برای این که رنج و آرزوی انسان را که انتهایند ، افسانه وار و معجزه آسایه سرانجام می رسانند . از لای لای هر قصه که آدم به خواب می رود ، قلبش پراست از محبت انسان ها و خوبی خدایان . در خفرتیک رویا با خیال راحت به عروسی شاهزاد و رتوف ، شجاع و داندگستر کشور آفتاب می رود ، چه در پیروشت خورکج اندیش که به ناموس و زیبایی او چشم طمع بسته بود و بیگانه های سیاهی او را نمی توانست تحمل کند و از حسادت و شهوت راحتش سلب شد ، بود ، جوری که از هر لایب و نه رنگ و دسمه و دام افکندن در راه او کوتاهی نمی کرد ، اکنون بایک ضرب شمشیر سرش از تن جدا شده و سر در و سرده است . حالا مردم هم راحت شده اند و نفس راحت می کشند ؛ شهر را آیین بسته اند و شادی می کنند . سر راه تازه عروس همه جامرد صاف کشیده ، هلهله می کنند و هور می کشند و به سرو روی او گل و نبات می پاشند ، به او دختر زیبایی زندگی و آرزو که درهای حجله گاه کام و امید به رویش کشود ، اند ، به او وروس نیک بخت کشور آفتاب که لبخند طلیح به روی همه می زند ، به او و شیر و بیگانه های مردم تنهیت باد !

در واقع سرودی که زرتشت مقدس از فراز کوه ها سرود و میان مردم آورد ، پس از بیست سال دوری و دریدی ، تنهایی و رنج ، نوید یک چنین پیروزی برای همه آتشی بود که مشتاق بهتری و بهتری بودند . آتشی که او روشن ساخت دل تاریکی ها را شکافت و هنوز است بانام او شعله مقدس که در دل ما روشن است زبانه می کشد . سرهرا که به شاهراه می - پیوندد ، این لوح زمین او آویخته است : « گفتار نیک ، کردار نیک ، پندار نیک » .

آسیا را مهد پیاپیانامیده اند ، ولی ایران مهد انسان بزرگ ، زرتشت و آتشکده خورشید است : « ای خدای خردمند ، ای اهورامزدا ! کیست که با بزرگ ترین خوشی ها دل زمین را شاد کند ؟ - زرتشت مقدس ، او که زمین خشک را آبباری کند ، درخت های سوه بگارد ، چراگاه درست کند و گندم بپاشد . خدائی که زرتشت با او را زونیا می کرد و از او کمب تکلیف می نمود ، اهورامزدا ای بزرگ ، خدای واقعی جلگه ها و دشت های فراخ ایران و مردم آن بود ، دوست داشت که کشتزارها مالا مال باشد از گندم و جو ، دشت های سرسبز و میوه های رسیده و شیرین و گله های گاوها و گوسفند را و شادی تولید می کرد . هنوز او خدای قهر و غضب نشده بود که فقط از مردم چشم زهر میگرد . میان او و دنیا ، میان او و زندگی روزمره روستا نشینان و چوپانان ، هنوز آنقدر اختلال و فاصله نبود که یکی دیگری را بگری فراموش کند . خود زرتشت هم همین طور . او از آسمان ها نیامده (کاری که دیگر پیاپیان کردند تا عظمت و حشمت خود را برسانند) بلکه تنها از فراز کوه فرو آمده . بیست ساله بود که از مردم دوری گرفت ، از خانه رفت و به گوشه تنهایی پناه برد . شبان روزان به سیر معنوی و تفکر پرداخت . در کلبه محقر خویش با قناعت و پرهیز آشنایند ، به طبیعت و عظمت کوهستان ها و خورگرفت ، حیوانات را شناخت ، که دوسته اند : گزند ، مودی و زیان آور ؛ و آنهایی که با آدم می زنند ، شهری در هند ، پوست و گوشتشان رافع احتیاجات می کند ، اهلی و سودمندند . شب ها آتش روشن می کرد که تاریکی را بتاراند ، چه شب ها دیوان و گزندگان و دزدان به آزار مردم می پردازند . مردم از دور که می -

نگرستانند همه شب سرگروه شعله زرتشت روشن بود که می سوخت و از دم باد دمید و می شد و زیانه می کشید . دم دم های صبح که آفتاب از خاوران سر میزد ، پرنده گان د و زرتشت و گرد کلبه اوی پدیدند و دانه جمع می کردند . برای شب زند و داران سپید و دم نوید والهام تازه است . د رین هنگام قلب زرتشت پر از نیکی و محبت ، گشادگی و نور بود . روشنی آهسته آهسته به تیرگی شب چیرگی میکرد . شاهبازها ، عقاب ها و پرنده گان د یگر کوhestانی ، د ر ظلق روشن و باز آسمان می پدیدند و مثل باد بان ها ، سوار بر بال های باد د ر اقیانوس آفتاب صبحگاه می ، شنای کردند . زرتشت آنها را بیک خدا ایمان می دانست ، پیش خودش فکری کرد : « ای گاش مردمان هم پروبال داشتند و می توانستند به پیشباز مهربانند و بشتابند . آنگاه ارج آسمان هامل آنها بود و به خدای بزرگ ، به اهورامزدا ، نزد یک تیر بودند . »

xalvat.com

یک روز ، هنگامی که زرتشت کار رودخانه د ی تیا کرد ش می کرد ، خرامان خرامان می رفت و فکری کرد و ناگاه فرشته ای بر او ظاهر شد . نام او وهمنو (بهمن) بود و پیام اهورامزدا ای بزرگ را برای زرتشت آورد و بود . زرتشت خوشحال بود و خدای راستا پیش نمود ، اما از طرفی به فکر فرو رفت : می دانست که به این سادگی هاکسی به سخنان و د رس های او گوش فرامیخواهد داد . حقیقتی که به او تجلی کرد و بود ، به این نزدیها مورد قبول مردم واقع نشد . د و از د سال آژگا ر میان مردم گشت ، از د هی به د د یگروازد یاری به د یارد یگرفت . همه جا با مخالفت های این و آن روبهرو شد . جمعی او را دیوانه می خواندند ؛ گروهی به او دشنام و ناسزا می دادند و دیگران او را می رانندند . ولی او دلش حلالا بود از عشق مردم و همه جا با اهورامزدا راز و نیاز داشت : « یک خدا ای بزرگ و دانائی است اهورامزدا . او که زمین را آفرید و آسمان را ، و او که انسان را آفرید . زرتشت د برابرسر سختی و تعصب بی د پیمان و آنان که خدا ایمان می شمارد را می پرستیدند ، می گفت : « اگر خوبی بینی هست و سزاویاد اش هر که را حقیت روزی داد و می شود ، د ر خود همین د نیاست . خوبی ها و بدی ها ، پاک و پلیدی ، روشنی و تاریکی ، مظاهر گوناگون بی شمار و نیرو هستند : اهورامزدا ای نیروی خدائی و اهریمن نیروی شیطانی . میان این دو ، همیشه و همه جا بد د رسر اسطوبیعت و د ر میان انسان ها ، جنگ است و جدال . هر کس به مردم ، به گاو و به گوسفند خوبی کند و زمین را آبباری نماید و کار و کردار و روش و بند ارش نیک باشد ، سبب شادمانی و توفیق اهورامزدا می شود و د ر نبردش با اهریمن . » د ر جواب این سؤال : پس مینرا خدای آشتی و آفتاب چه می شود ؟ زرتشت با خونسردی می گفت : اگر مینرا خدای آشتی و صلح و صفا است پس باید با اهورامزدا هم بسازد . آفتاب را اهورامزدا آفرید و ، او که بزرگ ترین خدا است ، خدای دانا و خردمند (اهورا = خدا ، مزدا = خردمند) . گروهی د یگر به طعن می گفتندش : زرتشت (اوشترا = شتر ، زرا = پیر) شتران تو پیرو طیلند . چطور است آنها را برای هما و آناهید ، که خدا ایمان ما هستند ، قربانی کنی ؟ ... زرتشت به لاف زنان و هرزه گویمان پاسخ می داد : و قربانی تنها اهورامزدا را باید و شاید ، آفریدگار زمین و آسمان و انسان و او که بی نیاز است از قربانی ما . و سپس بد رانه به آنان اندرزمیداد : و شما که این همه برای هما و آناهید و مینرا قربانی می کنید ، آخر چه سود برد و اید ؟ اینها آنقریه شما صنعت نرسانند و اند که شما به آنها . چارایای خود را نکشید ، بلکه بچکس از آنها تخم کنی کنید که د رین د نیاه به شما خوش گذرد . از آنها اگر فراوان د اید به اید هد که ند اید ، که زندگی به او هم خوش گذرد ، چه او که گاو و گوسفند و فله ند اید ، شیر و ماست و مینرند اید ، زندگی به اید گذرد و اهورامزدا این نتواند د بد ن که گروهی همه چیز د ارند و بسیاری هیچ چیز . « — نرم نرمک ، آواز د فرزند پور شسب ، از خانواد د سپینا ماکه د ارای چاپاری بسیار بودند ، د رسر اسر د یارد و روزند یک ایران پیچید . علمای ادیان و آئین های د یگر به مخالفت علنی با او میباش برخاستند . اما مردم از او پشتیبانی می نمودند . زرتشت ارباب انواع را د میکرد و برستش این و آن مظهر طبیعت را د اعلام میداشت ، علمای دین که به بهانه ای پوچ از مردم باج و خراج و قربانی برای خدا ایمان می گرفتند و به اسم و رسم های مختلف طاعت را می چاپیدند ، نمی توانستند تحمل کنند که فرزانه بهایان گردی طومار آئین و ستن چند صد ساله آنها را د زور و د استنام و خدایان آنها را من د ر آری و خرافاتی و د روغین قلمد اد کند . سلطه زور و زر دین سازان و سحرانگیران و گران بدین ترتیب به نیستی تهدید میشد . مردم همه جا از زرتشت استقبال کردند و به آئین پاک او گرویدند . زرتشت به آنان می گفت : (یسنا ۳۰-۳-۳) « د ر آغاز آنگاه که هیچ چیز و هیچ کس هنوز نبود ، نه گیتی و نه انسان ، د و روح ، د و خدای د و قلوبی زیستند ؟ میان این د و

همیشه ستیزه بود و همت، خوبی و بدی را آنجا که گفتار و اندیشه و کردار میانه بود انداخته و نیکوکاران و نیکوکرداران خدا را نیکو
را کرده اند، نه زشت کاران. و همان روز نخست قرار مرگ و زندگی را آنجا نهادند و این که آنان را که بد اند پشند و بد پندارند
زندگی ناگوار و سخت باد و او را که اندیشه نیک و پاک بود پاداش بسیار. میان این دو روح و او که بد پندار بود زشتکاری را
پیشه کرده و ولی روح مقدس و نیکوکاری را برگزیده. او که جامه صفت آسمان ها پوشاک اوست. هر کس که وسیله کردار خود به خدا
نزد یکی جوید و سپاس او را خواستارست، بایست که آشکارا مرید او استاید و به او گردود.

زرتشت ارتش وسیع روستایان و چوپانان و کشاورزان و ران بر لوی آیین مزدیسنا پی بسط کرد. در آن هنگام، ایران در
آستانه آینه بود و رخساری بود. پراکندگی و نفاق داخلی و مقابل همسایگان قوی و شدن غریبی فقط عامل نیستی میشد. اقوام
و قبائل آریائی با خدایان و پادشاهان مختلف مد این راه بودند. زندگی مردم انبوهی بود و زندگی و پادشاهی و پادشاهی می گذشت.
پیمان شکنی و سرکشی و ستور و زور و ایند را، خدای جنگ، شرابخوار و ناپاکاری که در حالت مستی دست به خون آلودگی می زدند -
آلوده و درین زمان بیدار می کرد. بزرگاری که با هزاران خون دل بدی افشاند و بد تها پای رنج آن بنشسته تا خوشه های انتظار
وی کی بارور شود، نمی تواند هر روز با راز هنری و هر زمان با تاراجگری بسترش؛ نه بر او با طبیعت و مظاهرش و زمان و آواز و فصل
های مختلف به انداز کافی باعث آزار و در سر او می شود. در هفانی که تازه نهالان کاشته و دلخوشی و امید خود را بد آن بسته
که پس از سال ها که نهالان او درخت شدند، میوه دهند و بار آور شوند، بخوبی می دانند که گزند و خشم روزگار چگونه می تواند در
آنی شکوفه های زحمت او را پیر کند. ولی جوهر طبیعت را جای شکایت و گداز نیست. اما دشمنان سوگند خورده و هفانان، زور-
گویان و مفتخوران و در آنند، آنها که شکم خود را با نان و پکران می انبارند. . . . در چنین محیطی، در هفان امنیت و امن جان
نداشت. چوپانان و گله داران نیز بهمن سرنوشت چار بودند. در چنین آشوبی، تجدید دینی زرتشت، در روح اخلاقی و اصول
مقتنه وی و در تحکیم مبانی اجتماعی، ضرورت تاریخی عظمی داشته است. با بسط و توسعه زراعت، از قدرت مطلقه و انبوه خدا -
یان و وحشی و خشن اند که گذشته شده و بر سلطه و محیطه خدایان از محیطی شدن و ترو ترویت یافته ترافزود می شد (۱)
اهورها بهیشت خدایان قبائلی و آمدند که مراحل میان زندگی چاد و نشینان و زراعت را می پیوندند و حال آنکه در یوان مورد
صنایع را هزنان بود و اند (۲). بدین ترتیب، تکامل طبیعتی مدنی و بیابانی آن تجدید معنوی که در احساس عمیق دینی ریشه
داشت بر فرم مزدیسنا منجر گشت. خدایان مختلف طبیعت، آریاب انواع به دورا هورای مقدس، اهورامزدا، اجتماع کرد و
مفاهیم مجرد، در اصل کلی تری، در واحد مطلقه وجود او جذب و هضم گشتند. همه شرایط عینی و ذهنی برای ایجاد آینه ای که
تدارک و تجهیز آن به عهد و نبوغ ابتکاری و خلاقه زرتشت پاک گذاشته شده بود، فراهم آمد. بدین قسم، امپراطوری مشعشع
هخامنشیان به سلاح فکری خود دست یافت.

فرهبر، مظهر تود و مزد اثبات، انسان بالدار و راجع می کرد که در یک دست حلقه ای دارد. فرهبر ذات مجسم
اهورامزدا است. نگینی که او در دست دارد، نشانه پیروزی و بال های گشاده اش اشاره ایست به آسمان آینه و، او بی که
برند و تاریخ ایران و سپهر و شتاب خود هنوز در پیش داشت.

و کی برای مزد اسپهبد و دم فرا خواهد رسید که جهان را بدین راستین با آفرینش های فراخ بخش بخورد و رها نندگان
فرا گیرد؟ کیانند آثانی که بهمن (منش نیک) به یارشان خواهد آمد، ای اهورا؟ (م یسنا شت ۴۶ - بند ۳)

محمد جاسمی

هاوردگ - سپتامبر ۱۹۵۹

(۱) رجوع شود به مقاله "اوتورگرستن سن، استاد فقه و دانشگاه کینهاگ، در مجله دانشکده ادبیات
(۲) از همان مقاله

وجوب آزادی زنان (۱) XXXXXXXXXXXX

خانم ها و آقایان محترم،

وقتی از طرف اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه برای ایراد يك سخن رانی به زبان فارسی درباره این موضوع "وجوب آزادی زنان" دعوت شد، بدو آمی خواستم از قبول این افتخار سرپا زدن و طعش خود موضوع بود که بنظر منده نامعقول می آید. چون صحبت درباره چنین مطلبی درست شبیه به اینست که درباره "لزوم کارکردن مردان" بحث کنیم. به عبارت دیگر، مطلب به قدری مسلم است که جای حرف ندارد. امروزه صحبت درباره وجوب آزادی زنان در مسالکی که در تمدن از ماخلی جلوترند، بی شباهت به این نیست که در باب لزوم هوا برای تنفس گفتگو شود. ولی متأسفانه در مملکت ما که هنوز تا رسیدن به کمال در همه شئون راه درازی در پیش است و زنان با وجود بدست آوردن آزادی ناقصی - آن هم فقط در ریاضت و شهرهای بزرگ - از معنی و مفهوم حقیقی آن برخوردار نیستند و هنوز يك بقال بی سواد، فقط برای آن که از جنس ذکر است، به يك زن فاضل که احیاناً عصری را در راه آموختن صرف کرده باشد برتری دارد و از لحاظ مقام شرعی این دو را با هم نمی شود مقایسه کرد. جادارد موضوع هائی از قبیل "مقام زن در جامعه" و "وجوب آزادی زنان" و امثال آن پیش بیاید. چه اگر مطلب برای ما کاملاً حل شده و آزادی زن در حکم لزوم یعنی برای نفس کشیدن بود، دیگر از آن حرفی نمی زدیم و یا اصلاً بقول يك دوست شوخ و شیرین گوی که وجود زن عزیز تر از بهدافش تشبیه می کرد وی گفت: "نادرد نگیرد ملتفت او نیستیم" و دیگری به فکر چنین موضوعی هم نمی افتادیم.

اینها همه دلیل بر این است که در کشور ما شاید عدد ای در لزوم آزادی زن هائردید دارند و حتی احیاناً فکری - کنند برای راحتی مردان (۱) باید به قهقرای برگشت و جنس مخالف را که مدتی است به اصطلاح دستی از قنداقی درآورده و شروع به فضولی کرده است، مثل پنجاه سال پیش در حریم ویا اندرون خانه محبوس و تحت نظر نگاه داشت و مثل گدشته هزار و سیصد ساله از همه حقوق اجتماعی محروم نمود! (گویانکه امروز هم این مختصر آزادی تعمیم کلی نیافته و فقط مخصوص عدد معدودی در تهران و در مرکز شهرستان هاست). بنابراین وقتی بنده در یک موضوع حیاتی راجع به هم جنسان من و دفاع از آزادی آنها مطرح است، پیش خود گفتم "اگر خاموش بنشینم گناه است".

xalvat.com

يك نظر اجمالی به گدشته زن در ایران به روشن شدن مطلب ماکد می کند :

همه می دانیم که در زمان ساسانیان زن بطور کلی مقام مهمی داشته است. ملکه هادرد در محضوری یافتند و موضوع "عشق درباری" و به اصطلاح فرانسوی ها "amour courtois" از ایران به ادبیات اروپائی رخنه کرده است. شاهزاده خانم هائی توانستند سلطنت کنند و شاهزادگان ذکر برانات ترجیحی نداشتند. بر تخت نشستن پوراندخت و آن رمیدخت در اواخر سلطنت ساسانیان دلیل کافی بر این امر است. ولی از ابتدای حمله عرب به ایران تا آخر قرن سیزدهم هجری زن در نظر مسلمانان به چشم يك متاع خریداری شده و تکرسته می شد و یا آنکه به غمیرما (ص) به زن لطف مخصوصی داشته (۱) و تحصیل علم و کسب دانش را برای پیرو دختر به یکسان واجب می دانسته است، بازید یعنی که اعراب نسبت به زن داشتند (تاجائی که دختران خود را زنند به گوری کردند) و امتیازی که برای فرزندان ذکر قائل بودند، همراه با چیزهای

(۱) خلاصه سخنرانی خانم کوکب صفاری در جلسه ماهانه اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه، در روز جمعه هجدهم در ماه صفر ۱۳۵۹

د پگرد رعیان مانفوز کرد وحتی گویند «بزرگی مثل فردوسی راواداشت که ابیات مشهوری ازین قبیل بسراید :

زن وارد هاهرود رخاك به (۱)

جهان پاك ازاین هرود وناپاك به (۱)

www.xalvat.com

وسخنوری چون سعدی به خود اجازه داد که بگوید :

چون راه بازارگیرد بزن

وگرنه تو درخانه بنشین چون (۱)

(نمی دانم سعدی واقعا این عقیده را داشته یا فقط برای آن که قافیه بسازد وازیک جنا سرلفی استفاده کند با آزادی حرکت زن مخالفت کرده است ، گرچه بازهمین شیخ بزرگوار در موضوع تعدد زوجات بی خجالت و ستورعلی میدهد و میگوید :

زن نوکن ای خواجه در ره بهار

که تقویم پارینه ناید بکار (۱۱)

وشاعر د پگری که نامش در خاطر من نیست درین باب می گوید :

نخواهی یافت اندر هیچ بزم

وفا در اسب و در شمشیر و در زن

لازم به گفتن نیست که شاهکارهای جاوید ان این گویندگان با این تک مضروب ها عمل کرده اند و ارشد است.

شوالیه ژان شاردن که سفرنامه اش منبع بزرگی برای منتسکین نویسنده «کتاب مشهور» نامه های ایرانی « است ، راجع به زن ایرانی در کتاب سفرنامه خود چنین می نویسد : « به عقیده « مرد ایرانی ، کار و وظیفه زن فقط تولید مثل است و کوچک ترین توجهی نه به تعلیم و نه به تربیت او لازم نیست . زن هاجزد رگاز خانه در هیچ قسمت د پگری از زندگی فعالیت نمی کنند و اوقات آنها به بطالت و بیکاری و تنبلی می گذرد . در تمام روزها کنیزگان کوچک بدن آنها را مالش می دهند . و این کاری است که تمام آسیای ها از آن لذت فراوان می برند . و یا برای آنها طعمانی می آفریند . ولی توتون ایران بقدری ملایم است که اگر از صبح تا غروب آدم طعمانی بکشد به آن معتاد نمی شود . فعال ترین زن ها با کارهای سوزنی و بریشم دوزی خود را مشغول میدارند و آن را بسیار خوب انجام می دهند . در خانه متولین به این دسته زنان غذا و لباس میجانی داد می شود . " منتسکیو از کتاب شاردن استفاده « نمایان برد و در کتاب خود صحنه های جان داری از زندگی غم انگیز زنان محبوس حرم بوجود آورد و است . در نیاله این ظلم و ستم هائسبت به زن تا زمان جد و جد و بزرگ های ماکشید و شد و است و ملازم نیست برای خواندن ماجرای زندگی این طبقه محروم به قرن هفدهم میلادی برگردیم . بیشتر قصه های کوچک صادق هدایت این موضوع را می پرورد و نشان میدهد که در جامعه ما زن مقامی بین مرد و حیوان اهلی داشته است ، این روایت را بنده اخیرا در سفرنامه يك مستشرق انگلیسی خواندم : « در اصفهان روزی دیدم آخوندی سوار بر قاطر در میان بازار می تاخت و این خبر را به صدای بلند ابلاغ می کرد : ای مردم بد اندید که هر مردی در روز باید هزار بار شکر کند که زن نشد و است و هر زنی روزی هزار بار شکر کند که سگ نشد و " ۱۱]

مختصره پدرها دروصیت نامه هایشان قهید می کردند که دخترشان سواد خواندن و نوشتن پیدا نکند ، زیرا می ترسیدند نامه عاشقانه بنویسد ؟ او را تمام مدت عمر چه در خانه پدر چه در خانه شوهر در قید و بند نگاه می داشتند و خیال می کردند با این کار جلوی فساد اخلاقی گرفته می شود و زن محجوب و عقیف باقی می ماند حتی تا سی چهل سال پیش زن ایرانی در کوچه حق صحبت کردن با یکی از مرد های خانواده خود راند داشته است و در رشک و کالسه پهلوی شوهر یا برادر روید و خود تنخی با هست بنشیند و در خانه مجبوره اطاعت کامل از یکی ازین سه نفر بود و است .

اماد نیای زنان شرق پس از تمام سر با غروب نمی توانست بهمین حال باقی بماند کم کم در رسالک اسلامی د و مدارس مختلف به روی دخترها باز شد و نور علم افکار تنیر و زن ها را کم و بیش روشن کرد و اینان توانستند از میان خود شخصیت های برجسته ای برای نمایندگی و دفاع از حقوق هم جنسان خود انتخاب کنند . در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) اولین مجمع زنان مسلمان در دمشق تشکیل شد که در آن غالب سالک شرقی از جمله ایران ، ترکیه ، افغانستان ، مصر ، عراق ، ژاپون ، هند ، چین ، سوریه ، لبنان ، حجاز ، جاوه ، استرالیا و غیره و حتی یونان برای هم دزدی شرکت کرد و بودند . این گنگره وابسته به شورای عالی اتحادیه زنان بود و مرکز برای خود انتخاب کرد و بود : یکی سوریه بعنوان مرکز خاور نزدیک و

۲- آزادی و امرارزاد و طلاق... درین مورد، فقط مسئله آزادی درین نیست، بلکه رفتاری که با ما می شود از این شریعت و درست و اگر چه زود تر به اصلاح این امر اقدام نکنیم، نه تنها جامعه متهدن محسوب نمی شویم بلکه تنگدست نیست خواهیم بود. روش ازدواج ما در روند و مرد و عورت غلط است. در بسیاری از نقاط ایران هنوز دخترها را بدون اطلاع قبلی و فقط طبق صلاحیت والدین شوهر می دهند و این کاری است که حتی از حیوانات هم سرنمی زند. اما عزم آوردن روش ازدواج و روش طلاق ما است که حتی نام وحشیگری و ظلم هم بر آن نمی توان گذاشت. . . .

غیر از روش ازدواج و طلاق شرم آوردن، مسائلی از قبیل صیغه کردن زن ها - که نوعی از رضای قانونی است - و همچنین تعدد زوجات باید به کلی منسوخ شود. این قوانین دوازده سیزده قرن قبل وضع شده و بازندگی امروز مانع از آنند. اگر حضرت رسول اکرم هزار و سیصد سال پیش به مرد حق گرفتن چهار زن هدی و بعد بی شمار صیغه داد، آن حضرت احتیاجات و رسوم اعراب بدوی و بیابان گرد را در نظر گرفت و قانونش برای آن روز و زمان آن مرد شاید بسیار عادلانه هم بود. اما بیایم ما ناچاریم که این قوانین را مثل سایر کشورهای اسلامی به صلاح پیشرفت فکری جامعه خود مان تغییر دهیم و نتواند نگونی در مرغ یک پادشاه.

۱۵۲

و چون با سواد ان غالباً دین امون بیشتر از علما و عوام می کنند ، پس شرکت زنان در انتخابات ، عدله رأی دهنده با سواد را افزایش خواهد داد . ازین گذشته ، در کشور ما بی سابقه نیست که در چند مورد مرد بی سواد حتی وکیل مجلس شورای ملی هم شده باشد پس با تمام این دلایل ، دیگر حرفی در لزوم احقاق حق مابقی نمی ماند .

برای رسیدن به اوج کمال ، هر جامعه به دوازود و بال خود که زن و مرد باشد احتیاج دارد و بدین کمک یکی پیشرفت سریع دیگری ممکن نیست ، چنان که آزاد م مطلق انتظارند رفتن و بدین نمی توان داشت . خود شما مرد های روشن بین باید حرارتتان برای اعاد حقوق ما از خود ما بیشتر باشد ؛ تا زن بتام معنی صاحب شخصیت و آزادی کامل و معنوی گردد و فکرش با فکر مرد روشن فکر هم سطح شود و ایران ما هر چه زود تر بتواند آنطور که در آرزوی آن هستیم ترقی کند . مائاکی می خواهیم در شمار کشورهای کم رشد و نگام نیافته باقی بمانیم ؟

برای آنکه از پیشرفت اجتماعی زن هاد رکشورهای همسایه خود مان مطلع شوم ، چند روز پیش در رساله السنه شرقیه از یک دختر دانشجوی هندی راجع به این قسمت اطلاعاتی خواستم زیرا تشخیص همسایه های دیگرا ازلبا سر و ظاهرشان آسان نیست . اما دختر خانم هندی ، که مطالعه یک کتاب قدورچینی کلافه اش کرده بود ، ظاهراً فرصت داشت به پرسش های من جواب دهد . ناچار کمی دلتنگ به خانه بازگشتم ، غافل ازین که از لطف مجله سخن که همان شب رسیده بود جواب تمام سئوال های من ، حتی آنهایی که فکرش را هم نکرده بودم در دسترس گذاشته بود . بدین معنی که در سرمقاله شماره هفتم این مجله آبرو مند گفتار جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند که در روز ۲ شهریور ماه گذشته هنگام دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه تهران به انگلیسی ایراد کرده بود و آقای محمود تفضلی آن را به فارسی شیوائی ترجمه کرده است درج شده بود . خواننده این مقاله مرا واقعاً مجذوب کرد . بنده این جافقط قسمتی از آن گفتار را که مربوط به حقوق مرد م هند ، اعم از زن و مرد ، است و یا ارتباط به امر تعلیم و تربیت همگانی دارد بطور خلاصه نقل می کنم . نهرو می گوید : « انقلاب سیاسی واقعی که منظور من است وقتی فرا میرسد که تمام افراد بالغ یک کشور با به عبارت دیگر زن و د های افراد مرد و اکثریت عظیم ملت حق رأی به دست آورند و در امور شرکت کنند . این امر حتی در انگلستان یا آمریکا هم تا همین اواخر تحقق نیافته بود . ما به یک انقلاب سیاسی جدی پرداختیم و تمام کشور ما قدرت را بدست آوردند . هر مرد و زن هندی حق رأی کسب کرده اند . تمام مردان و زنان بالغ هند ، چه با سواد چه بی سواد ، چه مؤمن و چه بی دین ، چه در جنگ زندگی کنند و چه عضو یکی از پند ائی ترین قبائل باشند ، برای خود یک رأی دارند و در حکومت سهیم هستند . ما احساس می کردیم که در برابریان جزاین راهی وجود ندارد و به این جهت دین را به پیشرفتیم و من شخصاً بسیار خوشوقتم که چنین کردیم زیرا مرد م کشور ما قدرت کامل سیاسی را به مفهوم واقعی و د موکراتیک آن بدست آوردند . »

xalvat.com

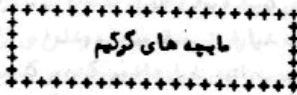
در جای دیگر رباره پیشرفت معنوی و ملی ملت چنین می گوید : « اگر کشوری می خواهد در علوم پیشرفت داشته باشد باید یک زمینه علمی نیرومند برای خود بوجود آورد . کافی نیست که چند نفر دانشمند و عالم در دانشگاهی بنشینند و به کارهای تحقیقی بپردازند ، بلکه باید صد ها و هزاران دانشمند و عالم و کارشنا سر ملی داشت تا بتوان پیشرفت های علمی و فنی را تحقق بخشید باید آموزش را از هر جهت توسعه داد و نباید آن را فقط در میان مردان بلکه در میان زنان نیز رواج داد و زبیرا در جریان توسعه و تکامل صنعتی و پیشرفت های علمی نمی توانیم از مرد م کشور را کنار گذاشت . در هر صورت چه بخواهیم و چه نخواهیم ، نیروهای که دست اندر کار هستند اجازه نخواهند داد که چنین کنیم . »

من با این چند کلمه که از قول این مرد روشن و دانا شاد آوردم به عرایض خود خاتمه میدهم و فقط یادآوری شوم که نهرو نخست وزیر کشوریست که به اصطلاح از هفتاد و د ملت تشکیل شده و فاصله طبقاتی میان آنها لا اقل حتی در گذشته خیلی نزدیکی بسیار زیاد بوده است . با این حال همانطور که میگوید در هند همه مردم راجه زن و چه مرد با یک چشم نگریده و به افراد عموم طبقات حق رأی داده اند . اما تصور نمی کنید برای سلطت ماکه از یک ملت واحد تشکیل شده و یک زبان واحد داریم ، کار این پیشرفت اگر بخواهیم آسان ترست ؟

کرکب صفاری (صورتگر)

« ماهچه های گرگیم
از سرمائی بهرم یم »

xalvat.com



مد رسه ما ، که د رته چاله میده ان بود ، از کلاس اول بالف بو ، ب د اشت تا فقط کلاس ششم ، الف و و آن برا وزارت فرهنگ از روضه خوانی که هنوز هم حق البروزه اشن یک تومن است ، اجاره کرد ه بود ، د یوار کلاس هایش همه طبله کرد ه بود ، مثل صورت هائی که سالک بزرگی روی د ماغشان هست ، و د یگر میز هایش بود با یاد کاری هائی که رویشان کنده بود ند : و اصغر ماشا الله ، جواد بند زن به سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ه و هم د رهایش که وقتی بازمی شد ند صدای ناله شان مثل قیافه آگ م - های اسهالی مرا از وجود بهیاری کرد . توی حیاط ، سه تادرخت پیرواحقی بود با د وتا منبع آب حلیمی یک حوض که آبش و از زمان جواد بند زن نکشیده ه بود ند ، با چند تاستراح که د رود یوارشان پر بود از ب و قرون . . . اصغر نیکو صورت شاکرد کلاس سوم بهرم « ویا و من ماد راقای ناظم راد پشب . . . م » همه با خط های د رشت و خوانا .

مد بهرم رسه د و افروشی بود که از توی اتاق د فتر کارهای تجارتخانه راهاتلفن وزارت فرهنگ راه مینه اخت و قیافه ناظم ، مثل علامت تمجیبی بود که مگس روی چند د فعه سرش راسیک کرد ه باشد . معلم هاد و قطب د اشدند : یکی معلم قرآن و شرعیات و د یکمه وانشاء که مباحثی به کول مینه اخت و عمامه ای هم ند اشت و من هروقت از پشتی د ید مش هوس می - کردم از روی سرش بهرم . همیشه سر کلاس نصیحت می کرد که د فرزند ان منیزم ، همیشه باید آفتابه رابده ست راست گرفته ه انکشتان د ست چپ را . . . « ویا از خواب هائی که د ید ه بود می گفت : بونا کبان سته ی بلند بالا و نورانی جلو آمد ه و د ست مبارکش رابه کمر من کشیده ه و گفت : بهروای بند ه مقرب آستان بهرجلال احدیت ، بهر که مراد ت راد ام د غ . و د یگری معلم حساب وهند سه بود ، که مثل گرگ بود . سر کلاسش مجبور بود یم مثل د یوار نشینیم ، یعنی با دستیم - نشستن مثل ایستادن - و بعد هم معلم ورزش و بقیه بود ند و یکی د وتازن که خود شان را برای این سه چهارتا مرند ند ید ه بزم می کرد ند .

و د بین میان ما هفت تائی بود یم ، د بین چهل نفر شاگرد کلاس ششم . یکی پسر مینه د وز ، یکی توله حمامی و د یگری آقا زاد ه جواهر فروش و د وتاد وقلو نور چشمی های خادم مسجد و من و یک پسر ه زرد نبوی د یگر که با پانده اشت و ماد رتش جووش راسی کشیده . همه د رساله ، د رهمه کلاس ها . همیشه ته کلاس یروی د وتا نیمکت می نشستیم ، روی میز هاما ن خرچسونه می - رقتانده یم یا زنبور هوای کرد یم و یا یواشکی سرگشته اصغر قاتل راسی خوانده یم ، و ازین قیل کارها با معلم ها . یکوقت میده ی نعلین آقا ، معلم قرآن و شرعیات پاش نیست ، فریادش بلند میشد : بواخه توله سگای تخم جن نعلین منو چیکا ر کرد ین ؟ به جدم زهرا میده م آقای ناظم زیر چوب آتشولا نشان بکجه و مثل ماد رها که د لسان نیما د چطی بچه هارابه باها هاشان بکنند ، می - دانستیم که این کار رانی کنده می گفتیم : آقا د ارم براتون پاکشی گیم ، آنوقت تف توش مینه اختیم و بس میده ا یم .

انقلب فراری کرد یم ، چون می توانستیم توی خیابان ها بد ون آقا بالا سر آزاد بگرد یم و هر کاری د لمان می خواست بگیم . د وزارت کفران گفت د ست فرانشی گداشتیم شتر اند ید ه می گرفت . یا از همان اول صبح اصلا به مد رسه نمی آمد یم . یکی یک کتابچه د اشتیم که د فتر چرک و کوس و یا کوس همه چیز بود و چون خوب نبود که د رحصل مان بد انند ، این نامه های اعمال والوله می کرد یم و می تپانده یم توی جیبمان . میرفتیم چاله خرکشی ، پای خط ، به محضی که ماشین د و ی میده اشن میشد مثل گه به د رود یوارش می چسبیده یم ، مثل د ختر ترشیده ه ها و ضریح اما مزاف ه ها ، و به مراد مان میرسیده یم ، یعنی به چشمه علی و آنجا

شنای کردیم. یاتوی سید ان امین السلطان پای محرکه ها ورد ست معرکه گیر میشدیم. و یاتوی تعزیه یکی یک حمامه سبز به سرمان می بستند و با همان لباس بد رسه جزوا هل بیت سید الشهدا می شدیم. بعضی روزها میرفتیم شهرنو. آنوقت ها هنوز در این بهشت راد یوارنگسید ه بود ند تا فقط جهنمی هاد اخلش بشوند. ماهم نه برای کاری ه جزاین که خرس می - رقصاند ند و تماشا می کردیم و هم و نجیب ه هرا که بالنگه های بازو کشاد و قیافه های مثل سیرابی گاو دم در خانه هانسته بود ند و به ما مثلک می گفتند: و به چه خوشگلارو، بفرما کباب برگ ه در حالی که اشاره به وسط د و پایشان می کرد ند.

اصغری که سر د سته ما بود، قد کوتاهی داشت و یک کله کرد که با یک گردن کج روی تنه چهار گوش مستطیلی اش سوار بود. چوب د رازی داشت که سر آن میخ بلند ی کوبید ه بود و طوری که نوک تیزش از طرف د بگر چوب به اند از د و بند انگشت بیرون آمد ه بود و مثلاً وقتی که ماد وری ساط یک خیابان فروش جرقه میزدیم و شلوغ می کردیم که خیابان چند ه، کمتر نمیدی، کرونه و یارو راد سنا چه می کردیم، اصغری میخ سر چوب راتوی خیابان فرو می کرد، می کشید بالا و می برد عقب سرش. د و تا به چه نهایی خادم مسجد آن را از سر چوب می گرفتند. جیب هاشان که پر میشد، د بگر دور بساط نبود ند. و د و همه این احوال یکی هم بها بود و از د و روابط میگرد، اگر وضع را و خیم میدید، سوتی میکشید و همه فراری می کردیم. و همین طورها با همه فروش و هندی وانه فروش و وقتی می گرفتندمان، اگر یکی د و تا بود ند گذشتان می زدیم و فراری می کردیم، و اگر بیشتر بود ند آنها میزد ند، یعنی همان کاری که آقای ناظم هم می کرد. با می بود نمان کلانتری ه چند تائی د و راه فراری می کردیم و بقیه هم به چه و صغیر بود ند و اونتنو، توی کلانتری و عروشان را راه می انداختند و خانه آخرش این که باها ما مان راپید می کرد ند و جلوی آنها نصیحتان می کرد ند که به چه، این کار خوب نیست، آخرش ختم د زه شتر د زه میشه (و یاتوی د لمان کیف می کردیم ازین که یکوقت می توانیم شتر بد زیم) و بالاخره آزاد مون می کرد ند.

xalvat.com

xxx

وسط سال و توی بد رسه و د ری به تخته خور د. آقای مدبر اُپست مهم تری د اند و از مد رسه ماریت و آقای ناظم راجا ش نشان ند و جای این یکی، یک نره غولی آمد که قیافه اش مثل این شنگل هائی بود که با چاقو روی پوست هند وانه می کنند، با یک قد د راز و با یک معلم حساب و هند سه راهم بیرون انداختند، و این د و واقع آجیل ما و با سیم ماد رین د و تو بیرومن بیا ه بود که چند روزی خوشحالمان کرد. آقای ناظم جدید از همان روز اول د شتر را با یک شلاق سیبی از توی جیبش ر آورد. و از روز سوم که روش باز شد، د یک به هر که میرسید می گفت: ماد رقبه، اگر بعد ازین سر کلاس جیک بزی با غایب بشی یا وسط حیاط بد وئی، گتو خور د می گم د و روز بعد سوری به دغالد ون، زد و به فراش د سنور اد که چفت ویزه های آن را تعمیر کند، برای زندانی کردن به چه های بد تا آن م شوند.

اصغری ر ا چند مرتبه توی این سوراخی انداخت و او اولین کسی بود که این مزه را چشید. وقتی که د ر دغالد ونی را به رویش بستند، همین فریادی کشید و شیون می زد که دل آدم از جاکند ه میشم. همه کار د رسول د ونی جمع شد ه بودیم، تن های د افغان می لرزید و چشم ه ما مان د رگاه سنگینی می کرد. بهم نگاه می کردیم و به د رزند ان، مثل اینکه منتظر معجزه ای بودیم ولی پیغمبری نبود و تا این که خود مان به د ر دغالد ونی حمله کردیم تا بشکیمش، نتونستیم. زنگ خورد و ناظم با چوب مجبور مان کرد که به کلاس بیرویم. اصغری می گفت که اون تو خیلی تاریک بود و فقط یک بار یک روشنائی از لای شکاف د ر، سیاهی راسی شکافت و آنهم وقتی روی دغالد سنگ هائی افتاد مثل یک مار میشد که می خواهد به آدم حمله کند. اونتنو د ایم د لهره داشته که تکه یک عقرب، یک رتیل یا یک مار از زیر دغالد ها بیرون بیاد و نیشش بزنه. تازه وقتی گزید، هرجی فریاد بزنه کسی که نیما د و رها باز کند و باید همون تو بمیرد. و به این جهت، از کوچک ترین مد اد لش تو می ریخته و جیغ میکشید ه.

وقتی اصغری را از سوراخی بیرون آورد ند، رنگش مثل مرد ه هاشد ه بود، چشم هاش گود رفته بود و تنش می لرزید. اما زورکی می خندید. توی کوچه که آمد، به چه هاد و روش جمع شد ند، هر یک چیزی می گفت و او جواب میداد که به لا تا میکم ماد ر آقای ناظم را. میرم تمام د ر شیشه خونشو خور د می گم زنشونوی خیابون. و به چه هائی گفتند، با پس بهم وزارت فرهنگ شیکا پت گیم. //

این آقای ناظم ، هنوز چند روزی از آمدنش نگذشته بود ، يك كتاب دعا ، قانون و ماده ساخت و برای هر خلافي تنبيهی وضع کرد : کسی که يك ساعت دیري آمد باید پنج دقیقه دستش را توی آب سرد د ر حوض بکشد و کسی که زیاد تریهشتر ؛ و بد تر از همه مجازات اذیت کردن معلم هار و دیگرار هائی که ماهمیشه می کردیم . د ا د ه بود شش هفتا کلاه بونی درست کرد و بود ند و با خط و رشت و بد ترکیبی رویشان نوشته بود ند ؛ د ر یان سترج ه و چند تکه مقوا که با نخی گردن بند می شد و روی آنها هم نوشته بود ؛ د م بچه تنبل و بدی هستم . . . حالا هر کس متکلم بریان نبود ، به نرمی حرف نمی زد و نمی دانست شاه سلطان حسین کجا تخم د و زرد ه گد اخته یا نادر شاه چند من چشم د و آورد و وارد شیرد راز دست کجا از تنش قهر کرد و ، مجبور بود یکی ازین قلا د ه هارابه گردنش آویزان کند و از جلوی صف کلاس هار د بشود تا بچه هابه صورتش تف بپند ازند ؛ و اگر جریم بزرگ تر بود تازه کلاه بونی را هم به سرش می گد اشتند و مجبورش می کرد ند تا ظهر د م سترج با یستد و آفتابه کسی را که به فضای حاجت می رود آب گد . . . ما از خجالت آب میشدیم ، وقتی که يك بچه کوچولو کلاس اولی نفس را سریالاً توی صورتش مینداخت . حس می کردیم که کوچک می شویم ، از کوره د رمی رقتیم ، فریاد می زدیم و به همه فحش می دادیم و با شست و لگه به ناظم حطه می بردیم اما او با چوب خفه ما نمی کرد . . . و ما هزار حقه بازی یاد گرفته بودیم ؛ اصغری مثل همه ما و جمع همه ما بود . وقت چوب خوردن ، جیغ هائی می زد که تمام بدن آدم را مثل این که زیر آره گد آشته باشند ، می برید . ناظم می گفت ؛ به ماد . . . برای من گد نهایه و واد ارش می کرد که د سترج را برای شلاق آماد ه کند . وقتی شلاق پائین می آمد ، اصغری تا روی زمین خم میشد و د سترج را کتاری کشید ، شلاق به پای ناظم می خورد ، ولی اصغری ننه ننه و خد اخد می کرد ؛ د سترج را توی د هانش می برد ؛ زیر بغلش می گد اشت ، راست و خم می شد تا د و باره مجبور شود که د سترج را د راز کند و باز همان آتش بود و همان گاهه تا ناظم خسته می شد و بعد د کر خند د ما بود .

xalvat.com

نزد يك های عید بود . امتحانات ثلث د و م و بیابروی بچه های د رس خوان که خود شان را آماد ه می کرد ند تا آنچه را که ضبط کرد ه بود ند پیرید هند . و ما هیچ د فکر این حرف هان نبودیم و فقط نقشه می کشیدیم که چطور باید تظلم کرد و کجا باید تفت هارا گد اشت که آقا نفهغه . . . آن روز عصر هم هوا سرد بود . آجرهای بی قواره و پیر حیا ط را رویوش از برف گرفته بود و هنوز هم می آمد نا اگر کتافت د بگری ماند ه باشد بپوشاند . رنگ خور د ه بود و همه توی کلاس هابود ند . د رها بسته بود و بخاری هاد و د میکرد . توی حیاط ، فقط يك شته جاپاروی برف هاد پد ه می شد و لوله های بخاری که سرهای سیاهشان را از لای پنجره هاما از روی شیروانی بیرون کشید ه بود ند و نفس می کشید ند و های های د هانشان که سیاه بود لای برفها که پائین می آمد کم میشد . ما حساسید اشتیم و معلم حساب جدید ما نهم همین آقای ناظم تازه بود . عصر وقتی به مد رسه آمدیم ، بچه هما گفتند که ناظم از صبح به مد رسه نیامد ه و حتماً مریض شد ه یا رفته زیرماشین . یکی می گفت : سرما خورد ه ؛ د برفتری گرفته و نزد يکه بجهه و قسم می خورد که راست می گوید . د بگری می گفت : توی توخانه د اشته جیب می برید ه توج د سترج را گرفته و به زند انش برد ه اند . اصغری د اد میزد ؛ نه خیر ، د م شهر نورفته زیرماشین د ه تئ ، مغزش د لقون شد ه ؛ و همه می خندیدیم و راضی بودیم . کلاس شلوغ شد ه بود . اصغری میزی را پای تخته کشید و از پهلوی زمین خوابانده و روش ایستاد . صد اش را که مثل آواز خروس لاری شد ه بود ، بلند کرد و مثل شیخ های پلکتنوشی فریاد زد : ای برادران ، گوش کنید ، ناظم رفته زیر د تئ ، تیکه پاره شد ه ؛ جیگر ما د رش بسوزد ، گریه کشید ؛ د رحالی که بشکن میزد و می رقصید و بچه های خاد م هم با او می آمد ند وادایش را د رمی آورد ند ؛ و بقیه د م د ا د ه بودند که ناظم رفته زیر د تئ ، فغان و واد و لا ؛ همه گرم بودند که يك فعه د رها زد . . . ناظم بود که آمد . مثل این که مرگ وارد کلاس شد . همه مات و مبهوت شدیم . اصغری روی میز خشکش زد ، با همان قری که د داشت . ناظم صورتش مثل گرگ خند ه بود ، کرکی که می خند د و خند ه ای که آنقد رزشت بود که گریه می آورد . به طرف اصغری رفت . صدای قد م هاش مثل فریاد آدم هائی که از جایی پرت می شوند توی سرهای پیچید و خند ه اش مثل کرکی که زوزه می کشید بود . می گفت : به آره . . . آره . . . ماد رقبه . . . ماد رقبه . . . جیب بر . . . جیب بر . به اصغری رسید . میزی که او رویش ایستاد ه بود مثل مستها به چپ و راست رفت تا افتاد و ناظم اصغری را هم که افتاد و نتوانست فرار کند به

باد لنگ گرفت، همانطوری که به میزد و بود و هم باشت و شلاق، به هر جا که می رسید و توی سر، بچه ها بعضی هنوز مات بودند و توی چشم های بعضی اشک در میزد، لب ها شان را می گزیدند . . . ناظم خسته شد و بود، صورتش مثل گرگی شد و بود که روی پوست هند وانه می کشند : چشم های گشاده، دماغ کج، گوش های دراز، از هانش آب می ریخت.

اصفیری را از کلاس میروند بردند . تنها یک خط از نظره های خون از پای تخت کلاس تا توی خیابان کشید و شد و بود و برف می آمد که رویش را بپوشاند .

۱. شیرازی

هاله لهرنگ - سوم مرداد ۱۳۳۸

xalvat.com

« . . . وینک، پرویز تنگ، اند و لغت و نصیری را گویند که از پوت شاهد انه تحصیل کنند و در لای گیش بهرور اند و سود و آن برآآت و خانه نهند و آتش کنند و در آن به ریتن فرستند و جلسات و رخلسات بهرآرند . مولا ناقه مرا العشا پر نخسته باز ننگی فرماید :

سال پیشین گاشتم اند و سراشده اند ای
سبز شد، پُر خنجه شد، پُر برگ شد پُر بار شد
نرم نرمک ریخت گبرکش زیاد مهرگان
زرد شد، پُر سرد و شد، افسرد و شد بهمار شد
چیدم از گلدان و خوش بهرور مشاند رنگیم
نرم شد، خوشبوی شد چون طبله عطار شد
بر سر قلیان نهادم، پُک زدم بی خود شد م
گله ام سنگین شد و چشم زمستی تار شد
پیش چشم کوزه قلیان به طرزی پس شگفت
گند و شد، پُف کرد، خُم شد، خُمره خمار شد
جلد عینک نرم نرمک بر جبهه از جای خویش
موش شد، قورباغه شد، خرگوش شد، گکتار شد
چوب کبریتی که دستم بود از بهر خلل
ترک شد، تیر پناشد، گند و اشجار شد
بی بی با سوراخ ناز و چشمک جان گرفت
شیخ شد، حمامه سر شد، صاحب دستار شد
دخترم آمد که تا آتش به آتش ان کند
مرد شد، پُر شد، صیقل صفا سرکار شد . »

فریدون توللی
(از کتاب التفصیل)

راه اتوبیل رو در ایران XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

در شماره قبل به اختصار از اهمیت اقتصادی شبکه راه ها صحبت کردیم و اشاره ای نیز به مختصات پوشش راه ها نمودیم و گفتیم که راه باید بتواند مدت و رازی مختصات مکانیکی خود را حفظ کند. اینک بهینیم چه شرائطی برای باید اری راه لازمست. پوشش روئی راه که وسائط نقلیه روی آن حرکت می کنند وزن این وسائط را به قشرهای زیرین راه واینان آن را به زمین منتقل می کنند. اگر پوشش روئی، بی آنکه در مختصاتش خللی وارد شود، این قابلیت انتقال را به طبقه های زیرین داشته باشد، برای آنکه راه استوار بماند باید طبقات زیرین نیز بتوانند فشار وارده را به وین نشست و تغییر شکل تحمل نمایند. ازین جا بدید می شود که ساختمان قشرهای زیرین راه در تعیین نوع ساختمان پوشش های روئی دخالت دارد. آنچه مربوط به زیر سازی است بطور کلی تابع نوع و جنس طبقات زمین های موجود در محل و سنگینی و سرعت وسائط نقلیه می باشد. مقاومت و خواص مربوط به این زمین ها باید پس از بررسی های زمین شناسی توسط آزمایشگاه های ساختمانی تعیین شود. مهند سر راه ساز با در دست داشتن نتایج این آزمایش ها می تواند مختصات ساختمانی بی ویا به راه را تعیین کند.

مختصات پوشش های روئی راه را باید در نظر گرفتن تغییرات جوی محیط و سنگینی و سرعت وسائط نقلیه تعیین می کنند. شرح مفصل روش های گوناگونی که برای ساختمان طبقات روئی و زیرین راه بکار می رود درین جا میسر نیست. فقط متذکر می شویم که طبقات زیر سازی راه که ما بایه نامیدیم قسمت اساسی و مقاوم راه را تشکیل میدهند و باید اری و درازای عمر راه بستگی به باید اری و چگونگی ساختمان پایه و شرائط پیش بینی شده برای حفاظت آن دارد.

xalvat.com

راه در ایران

از مطالعه تاریخچه راه هائی که ساختمان نشان روی اصول فنی قرار گرفته است چنین بر می آید که ایران قدیم از اولین تمدن هائی بود و است که در آن ساختمان راه ها طبق اصول فنی انجام می گرفته است.

اصول در ایران در حدود بیست هزار کیلومتر راه اتوبیل رو وجود دارد. اغلب این راه ها شهرستان ها را به پایتخت می پیوندند. در ۱۸۹۱ مادی ایران جز راه هائی که توسط شرکت های روسی و انگلیسی ساخته شده بود، راه دیگری نداشتیم. این راه ها توسط شرکت های مستقل برای بهره برداری از اشکال مختلف حمل و نقل ساخته شده بود و استفاده از آنها منوط پرداخت حق العبور بود. تا سال ۱۹۲۳ در راه سازی پیشرفت جالبی نشد، ولی ساختمان راه و راه آهن قسمت مهمی از برنامه ساختمان عمومی را پس ازین تاریخ تشکیل داد. پس از جنگ، طول راه های ایران به بیست هزار کیلومتر رسید. روی قسمتی از این راه ها در سال ۱۹۴۴ تا پنج هزار تن در روز لوازم جنگ توسط بارکش های امریکائی به روسیه حمل می شد. این بهره برداری نامتناهی سبب ازین رفتن و خرابی مقدار زیادی ازین راه ها شد. به علاوه شروع جنگ سبب ناتمام گذاردن مقدار زیادی از راه هائی که در حال ساختمان بود گردید. تعمیر راه های خراب شده و ناتمام راه های ناتمام جزئی از برنامه های عمران و آبادی بعد از جنگ بود و است.

بررسی این برنامه ها نشان میدهد که به پایان رساندن شش هزار کیلومتر ازین راه ها برای سال ۱۹۵۹ پیش بینی شده بود و ولی هنوز این راه ها در دست ساختمان هستند. از طرف دیگر دولت ایران طبق موافقت بانک بین المللی ترمیم و توسعه می تواند از وامی معادل هفتاد و دو میلیون دلار برای راه سازی تا پایان برنامه هفت ساله دوم استفاده کند. مقدار این وام از

کلیه مبالغی که این بانک تاکنون داده است پیشتر می باشد . گویا این وام برای ایجاد ۲۴۷۰ کیلومتر راه بزرگ که مسیرشان تعیین شده است می باشد . قانون برنامه دوم آبادی ۳۲۶۶ از اعتبارات برنامه های هفت ساله دوم را (اعتبارات ۷۰ هزار میلیارد ریال است) به راه سازی و سایر وسایل ارتباطی (پست و تلگراف ، راه آهن ، راه های هوایی و راه های اتوبیل رو) اختصاص داده است . جدول زیر به ای برای مقایسه پیشرفت ساختمان راه در ایران و در فرانسه قبل از جنگ جهانی دوم به دست می دهد :

طول راه به کیلومتر در ایران	سال	طول راه های کشوری به کیلومتر در فرانسه	سال
۸۸۱	۱۸۹۱	۲۷۲۱۶	۱۸۱۱
۲۶۷۸	۱۹۲۰	۲۸۹۱۲	۱۸۳۰
۴۸۷۸	۱۹۳۱	۳۷۱۵۳	۱۸۷۰
۱۸۰۰۰	۱۹۳۸	۳۸۰۶۵	۱۹۰۰
		۷۵۱۰۰	۱۹۳۰
		۸۱۵۰۸	۱۹۵۶

(هنگام شروع جنگ ۴۰۰۰ کیلومتر راه در ایران در دست ساختمان بود) .

می بینیم که نسبت به وسعت کشور مقدار راه های مانا چیزست و آنچه داریم نیز راتر جنگ با عواملی که بطور کلی در زیر نظر کمی کم احتیاج به تعمیر و مرمت و بازتد های اساسی دارد . ناچیزی و کمی نسبی طول راه های اتوبیل رود در ایران راجد ول مقایسه ای زیر به خوبی می نمایاند :

کشور	طول راه ها به کیلومتر برای صد کیلومتر سطح وسعت کشور
فرانسه	۱۲۰
انگلستان	۱۰۰
آلمان	۵۰
ایتالیا	۳۰
ایران	۱

نقش بازرسی در راه سازی و نگاهداری راه . . . گفتیم که باید اوری راه هستی به چگونگی ساختمان بی و پایه آن دارد . هنگامی که مسیر قطعی راهی معین شد ، بررسی های محلی و نتایج آزمایشات آزمایشگاه اجازه می دهند که سازند و راه نوع زیر سازی راه را انتخاب نماید . از طرف دیگر سنگینی و سرعت و وسایل نقلیه و تعداد آنها در روز و مشخصات جوی عوامل کافی برای انتخاب نوع روسازی را بدست می دهند . بنابراین هنگامی که مقاطعه کاری شروع به ساختمان راه می نماید هر قطعه از راه در حین ساختمان با تمام شد ، باید شامل شرایطی که قبل از روی عوامل فوق تعیین شده اند باشد . منظور از بازرسی آن است که کارفرما در هر لحظه شرایط ساختمانی و شرایط اجرای کار را بداند و انجام کار را طبق اصول مقررا ایجاب نماید . برقراری چنین بازرسی و ایجاب صحت اجرای کار مستلزم آنست که کارفرما خود دارای کارشناسان و آزمایشگاه های مجهز که شناسائی کامل به فنون راه سازی داشته باشند باشد . برای آن که کارشناسان صاحب نظر اصول بازرسی را از طرف کارفرما به عهد گیرند و بازرسانی کارآموز و برای هر کارگاه تربیت نمایند ، باید که شرایط زندگی آنها از طرف کارفرما چنان تأمین شود که فکر انجام آنچه در اصطلاح کارازاد می نامیم آنها را از کارفرما نگیرد . در کشورهایی که تعداد کارشناسان فنی کم است و مقدار کارگاه و هر روز بیشتر ، نقد فنی مؤسسات خصوصی و مقاطعه کاران به مراتب بیش تر از شناسائی نمایندگان کارفرما می باشد ، چه برگزیده - ترین بازرسان کارفرما ، با شناسائی بیشتری که به طرز اجرای برنامه ها دارند ، خود به جرگه مقاطعه کاران در می آیند و

اینجا است که هنرمند با زری و تفحصی مشکل و مستحق می گردد .

چند ی پیش یکی از قاطعه کاران اروپائی را شنیدم که راجع به برنامه های راه سازی در ایران می گفت : « برنامه ها از نظر ماسا و جالبند ، ولی ما هیچ وقت نخواهیم توانست در ایران راه سازی کنیم و با قاطعه ساختمان قسمتی از آن را بدست آوریم ، زیرا شرکت هایی که درین کار دست دارند و در ایران راه سازی می کنند با قیمت هائی مناقصات را می برند که ما چنانچه اصل استهلاک قیمت لوازم بکاربرد و رانندگی و زوری قیمت ها بر داریم نخواهیم توانست به قیمتی که آنها را قبول می کنند در ایران جاده بسازیم . » سپس اضافه کرد : « ما در پیشنها د قیمت برای اجرای کار نمی توانیم این اصل را که با زری اجرای کار از طرف کارفرما همانند با زری اجرای کار در سایر کشورها نیست در نظر بگیریم . » و با بخند گفت : « در ایران راه هائی می شناسیم که حتی یک زمستان هم در و ام نگرده اند . »

بنابراین چنانچه کارفرما میل دارد پولی را که قرض می کند و برای آبادانی کشور خرج می نماید بد و زریخته باشد ، باید ابتدا دستگا هی توانا و صالح برای با زری و سرکشی کارها در حین اجرا و پس از اتمام ایجاد نماید . و سپس به این دستگا ه قدرت آن را بدد که چنانچه شرایط کار با شرایط مقرر مطابقی نباشد ، ترسیم یا از نو ساختن آن را ايجاب نماید . مثلاً فاصله استفاده سرشاری که راه سازان در ایران می برند ، با توجه به آنچه در بالا گفته شد ، نشان میدهد که ایزان کارکردن و شفقت زیاده بردن با انجام کار طبق اصول علمی نهایت دارد .

با زری در بهره برداری . - فرض کنیم راهی طبق اصول صحیح فنی ساخته شده است . باید شرایط بهره برداری از این راه از شرایطی که کارشناس برای آن مقاومت راه را ارزیابی کرده است تجاوز نکند . بنابراین ادراک نگاه داری راه باید وزن و وسعت و وسایل نظیم را مورد بررسی قرار دهند . این کار را باید داری راه نقش میی دارد و یکی از بزرگ ترین عوامل خراب شدن راه های ساخته شده را از میان می برد .

نگاه داری راه های ساخته شده . - کشوری که دارای شبکه راه سازی مجهز نیست ، باید برای نگاه داری و ترسیم اصول بهره برداری از این راه هائیز مجهز باشد . بطور کلی نگاه داری و تعمیر راه ها ، که به عهد دولت است ، شامل نکات زیر می باشد :

۱- مراقبت دائمی راه (مرمت های کوچک سطحی ، مراقبت از علائم روی جاده ها ، برف روستی ، نگاه داری از درختان کنار راه ، مراقبت جویبار ها و زه کشی و نگاه داری پل ها و تونل ها و ... ۲- تجدید ساختمان پوشش روستی که بسته به نوع روستا می باید هر چند بار یا پنج سال (و اگر آبد و شد خیلی زیاد باشد ، زود تر) عوض شود ۳- مطالعه شرایط محلی برای پیدا کردن روش ساختمانی باید ارتوت به طریقی های تکمیلی برای تسهیل سپرد رگد رگاه های مشکل ۴- بررسی وزن و وسعت و وسایل نظیم که از راه استفاده می نمایند .

بنابراین برای با زری در ساختمان و نگاه داری راه ها آنچه مورد نیاز و ضروریست عبارتست از :

- ایجاد یک سازمان صلاحیت داری برای با زری طرح راه هائی که باید ساخته شود ؟

- ایجاد یک سازمان صلاحیت داری برای با زری راه هائی که در دست ساختمان هستند ؟

- ایجاد سازمان نگاه داری راه های ساخته شده .

درین جا فقط از راه های اتوسیل و صحبت کردیم . باید است که در مطالعه راه های کشوری باید موقعیت راه آهن و بناد و روزه های هوائی را نیز در نظر داشت و تکمیل شبکه راه ها با مطالعه پیشرفت مجموعه وسائل ارتباطات کشور میسر خواهد بود . این مطالعه برای انتخاب راه هائی که ایجاد شان باید زود تر انجام گیرد ، نهایت لزوم را دارد .

مهندس سرخسرو پاک امن

برای آنها که به وجود ویزی نهخت
دانشجوی معتقدند و به پیشرفت ویزی
آنها ایمان دارند .

xalvat.com

سند یگالیم و دانشجوی

ازدروانی که انوشیروان عادل برای رفا و آسایش مردم ملکش می کوشید ، از زمانی که شاه عباس برای بی بردن
مقدم به مشکلات زندگی مردم آن روز ایران شب ها به لبامرد روی می آمد و داخل مردم میشد ، اکنون مدت ها
می گذرد . در طی این گذشت زمان ، تاریخ نشان داد که باتکامل سریع و روز افزون علم و صنعت و پیشرفت اقتصاد
دیکرامرطوران و پادشاهان هر قدر هم باخشنیت و خیرخواه باشند ، نمی توانند همه مشکلات و نقائص اجتماع خود را درک کنند
و به آنها جواب دهند . در قرون هجده و نوزده با انقلاب صنعتی در دنیا ، طبقه کارگران بوجود آمد و چندی پس از آن سند یگالیم
کارگری ، برای دفاع از حقوق و منافع صنفی کارگران پدید آمد که امروزه صورت نیروی عظیمی با قدرت تمام کارویگاری کند .
قرن بیستم دوران تکامل بیش از پیش صنعت و قرن علوم و فنون نواست . نیروی فکری بشر که درین دوران جزئی قابل تجزیه را
خرد می کند و به موازات آن علوم جدیدی را بوجود می آورد ، نمی تواند نسبت به سوزنشت جوانانی که امروزه در دانشگاه ها به
تحصیل مشغولند و فردا باید در راه پیشرفت و تکامل این علوم کار کوشش کنند ، بی تفاوت بماند . تود در انشجوان حالت مجزائی که
در قرون گذشته داشته و تنها به عنوان سرپا روانگ جامعه شناخته می شد ، اکنون بیرون آمد و در اجتماعات پیشرفته عالم مقام
بلندی پدیدست آورد . است . برای آن که این نیروی فکری خلاقه مفید و مؤثر باشد ، برای آن که کار آن بازده کافی و کامل داشته باشد
باید در شرائط مناسب تربیت شود و کار کند و برای تهیه این شرائط و رفع اشکالات متعدد خود ، هیچ کس و هیچ نیروی نمی تواند
همانند خود این قدر بزرگ مبارزه و تأثیر کند . سند یگالیم و دانشجوی در دوران حاضر ، حقیقتی است که آنها که جهت جبری
تاریخ رافهمید و اند ، خیلی زود آن را درک کرده اند و به عظمت و نقش تاریخی آن ایمان آورده اند .

دانشجو و دنیای دانشجویی (دانشجوی کارگر فکری جوان است : منشور گروتویل)

آن قسمت از نسل جوان ماکه امروزه در دانشگاه های ایران و اروپا و آمریکا در رشته های گوناگون مشغول تحصیل و تکمیل
معلومات علمی و فنی خود می باشد ، تشکیل مجموعه ای را می دهد که دنیای دانشجویی است . مجموعه دانشجویان و دانش
پژوهان جوان ایران حقیقتی محسوس و ملموس را بهاری آورد که آن را می توان « واقعیت دانشگاهی » نام نهاد .
برای ارزیابی این نیروی جوان ، بجای آن که بیاایم به سئوال های مختلف و بی شماری از قبیل : دانشجویان چه
کسانی هستند ؟ هدف آنها چیست ؟ از کجای آیند ؟ چه تحصیلاتی می کنند ؟ . . . جواب دهیم ، بهترست مسئله را در داخل
بحث بزرگ تری که مسئله آموزش و تعلیم و تربیت است طرح کنیم . این مسئله ، در زمان ها و مکان های مختلف دارای جنبه های
متفاوتی است . مثلاً برای کشورهای که مراحل ابتدائی آن را طی کرده اند و مبارزه با بیسوادی را آنقدر راه انداخته اند تا آن که
نسبت بیسوادی های مملکت به عدد قابل گذشت و صرف نظر کردن تنزل کرده است ، مسئله بزرگ جد اگر در آموزش علمی از تعلیمات
مذهبی است . برای کشورهای از نوع ایران که هنوز در مراحل ابتدائی این راه هستند ، خوشبختانه تا مدتی کم و بیش دراز این
مسئله قابل طرح نیست . در ستور و مبارزه با تمام قوا و با تمام وسایل برضد بیسوادی است . هدف نزدیک که باید هر چه زود تر به آن

رسید، تأمین و برقراری آموزش اجباری برای نسل های جدید از یک طرف و مبارزه برای باحوال کردن نسل های کونی از طرف دیگرست. ناگفته پید است دانشگاه، که کارهای آنهاست، ملکت را تربیت می کند، چه نقش اساسی و مهمی باید درین مبارزه ایفا کند و تا چه حد می تواند وظیفه دارد برای درمان این درد اجتماعی کوشش نماید. از آنجا که دانشگاه های مابه قدمت و کهنسالی دانشگاه های بزرگ اروپایی رسد، برای دانشکست که بتوانیم با مقایسه با گذشته بفهمیم تا چه حد در نیای دانشجویان مابه مسائل و امور مهمی که مربوط به آن مربوط به ملکت است آگاه و مؤثرمانند و آگاه و مؤثرمانند و مشغول تکامل است یا سیرتقراضی. اما آنچه را می توانیم بدقت مطالعه کنیم، وضعیت فعلی روشنفکران ماعموماً در دانشجویان بخصوص است. اگرچه جای آن که مثل روزنامه های بازاری و ستافانه بعضی از اولیا، امور فقط به ذکر این که در دانشجویان ماکل سرسید اجتماع ما هستند، اکتفا کنیم، بپاشیم و کار این گروه د قبی شویم نکات زیرخیلی زود برایمان روشن می شود:

— دانشجویان ماکمل تحصیلات خود را در رشته های مربوط تنها وظیفه خود می دانند؛

— به مسائل مهم و احیاناً حادتری که برای جامعه ایران مطرح است عموماً بایی قیدی نگاه می کنند؛

— اکثر آنان از نیروی عظمی که خود بوجود می آورند بی خبرند و به نهضت دانشجویی، که با تکیه بر نیروی این نیروگاه دسته جمعی و مبارزه صنفی می کند، علاقه و اعتقاد زیادی ندارند.

اگر در نظر داشته باشیم که عدد کثیری ازین دانشجویان — دست کم بسیاری از آنها که در خارج از ایران تحصیل می کنند — جزء طبقات مرفه و آسود و کسورند، در نکات بالا ساده تری شود.

در فصل بعد شرح خواهیم داد که چگونه اولیا، امور مسئولین فرهنگ تابعال سعی کرد، اند باد رست کردن و وواج در بین شعار که دانشجویی مدخله در سیاست راند ارد، از یک طرف و مارک سیاسی زد نبروی هرگونه احقاق حق دانشجویان، ولود و چارچوب دانشگاهی و صنفی، از طرف دیگر اجتماع و د نیای دانشجویی ما را بحال تفرقه و پراکند، از هم نگاه دارند؛ ولی از هم اکنون می توانیم یاد آور شویم که وضعیت فعلی دانشجویان ایرانی حالت بخصوصی نیست و در تمام نهضت های دانشجویی در نیای این مرحله — خیلی هم شد بدتر — وجود داشته است. برای نمونه می توانیم طرز قضاوت اولیا و امور فرانسه را نسبت به دانشجویان آن کشور در سال های قبل از جنگ اول جهانی از خلال روزنامه های آن زمان درین چند کلمه خلاصه کنیم: «دانشجویان کمائی هستند که سعی می کنند به انواع وسائل بهترین ایام زندگی خود را به خوشی بگذرانند»!

نهضت دانشجویی ما هنوز در نقطه است و تازه می خواهد زندگی خود را شروع کند. د نیای دانشجویی ما درین راه پرمیخ و غمی که در پیش دارد، هنوز در قدم های نخستین است. نداشتن تجربه از یک سو و آماد نبودن کامل تود، های دانشجویی برای ادامه این نهضت از سوی دیگر، در همان قدم های اول دوران بحرانی بزرگی را بوجود می آورد که فقط آگاهی و بهادری و مهارت دانشجویان می تواند آن را پشت سر بگذارد و اگر دانشجویان کشورهای شرقی برای روبروشدن با این بحران ها مجبور بودند روی این تگارات شخصی و قوه پیش بینی گاه خود حساب کنند و هیچ گونه تجربه قبلی در آن نوع کارها نداشته اند، برای ما که تازه به د نیای دانشجویی خود می خواهیم زندگی بدیم ضروریست که تجربیات و مبارزات نهضت های پیشرفته دانشجویی آنها را مورد دقت و مطالعه قرار دهیم و دین آنکه خواسته باشیم از روی آن برای خود نمونه و الگوی بسازیم، از آن تجربیات برای ترسیم راه آینده خود کمک بگیریم. ازین رو، تاریخچه بسیار مختصری از تکامل افکار و مسائل قابل ملاحظه ای که در مدت پنجاه سال زندگی خود «اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه» با آنها سروکار داشته در زیر رسم می کنیم (۲) این تاریخچه شامل چند مرحله است:

— تا قبل از جنگ جهانی اول، همان طور که در بالا اشاره شد، نهضت دانشجویی در خوشگد رانی و تهیه و ترتیب مجالس و جشن گرفتن اعیاد خلاصه می شد. فرهنگ لا روس در سال ۱۹۱۳ اتحادیه دانشجویان پاریس را این طور تعریف می کند: اتحادیه ای که در سال ۱۸۸۴ بوجود آمد و کار آن تشکیل مجالس و ستانه و اجتماعات ورزشی است. اتحادیه به ۲۰۰

(1) U.N.E.F. (2) Syndicalisme Etudiant, Edition du Seuil, 1957

روزنامه فرانسوی و خارجی دریافت می کند .

— از ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۵ رای توان در ورن صنفی بودن نام گذاشت. حوادث جنگ اول ضربات سختی به بورژوازی فرانسه وارد می آورد. برای طبقات متوسط نیز زندگی مشکل تری شود ؛ د انشجویا بد هرچه زود تر تحصیلات خود را به پایان برساند تا بتواند زندگی خود را تأمین نماید . به موازات این تغییرات ، تعلیمات متوسطه از سال ۱۳۳۰ مجانی می شوند و در نتیجه طبقات متوسط به د انشگاه راه می یابند . د انشجوی فرانسوی از خواب خوشی که تا قبل از شروع جنگ د رآن فرورفته بود بیدار می شود . یک میلیون و نیم کشته ، غرابی های زیاد ، مشکل خانه و مسکن طبقه روشنفکر و دانشجوی فرانسه را دچار بحران روحی شدیدی می نماید . د انشجویان برای کمک به رفقای د یگر خود قیام می کنند و بخش های تعاونی متعدد دی در تمام فرانسه بوجود می آورند . د ستگاه د ولتی با اکراه به د انشجویان کم کم کمک می کند . این کمک هنوز جنبه د خیریه د دارد . اشخاص خیرتیز به این جریان می پیوند ند و برای د انشجویان رستوران و آسایشگاه می سازند . از مشخصات بزرگ این دوره آنست که اتحادیه ملی د انشجویان خود نمی تواند چیزی را بوجود آورد و اداره کند . همه کارهایی که صورت می گیرد تنها بوسیله چند تن از رهبران با حسن نیت و آگاه انجام می شود . هنوز نود و د انشجویان را به جد بد عقب مانده است . د یگر آنکه د اتحادیه صنفی آن زمان فقط می خواهد د فکر د انشجویان زمان باشد . هنوز اتحادیه ملی د رین فکر نیست که رابطه د نیای د انشجویی و نیای خارج را و خود باید بررسی و تحلیل و روشن کند . مسئله باز کردن د رهای د انشگاه ، منطبق کردن مد رسه با احتیاجات مملکت و امثال آن را وظیفه خود نمی د اند ، چون می ترسد که بدین وسیله د سیاست مد اخله کند . این اشتباه بزرگ ، سند یکالیم د انشجویی فرانسه را در ورن جنگ جهانی دوم به ترازوی بزرگی که منجر به ازهم پاشیدن آن نزد یک بود بشود گشاند .

— بعد از جنگ جهانی دوم ، د انشجویان با مسائل جد بد تری روبرو می شوند و به تارسانی وضع تشکیلات سابق خود پی می برند و جریان قوی ترقی خواهانه ای بوسیله چند اتحادیه محلی بوجود می آید . با وجود محافظه کاری عد % زیاد ی از رهبران اتحادیه های محلی د یگر که هنوز د خواب شهرین پیروزی جنگ هستند ، این تمایل اصلاح طلبانه موفق می شود که د رکگره % ۲۴ آوریل ۱۹۴۶ د شهر گرونویل رهبری اتحادیه ملی د انشجویان فرانسه را در دست گیرد . طرح مهمی که د رآن سال از طرف این ترقی خواهان پیشنهاد و تصویب شد ، به منشور گرونویل مشهورست . از نظرها معنی که این منشور رشنا ساندن و تعریف د انشجوی و حقوق د انشجویان د ر جامعه د ارد ماعین آن را د زیر نقل می کنم (بدین مقدمه آن) :

xalvat.com

منشور گرونویل

ماد % یک . — د انشجویک کارگر فکری جوان است .
ماد % دو . — به عنوان یک جوان ، د انشجویی د ارد تفهیم اجتماعی خاصی از نظر جسمی ، فکری ، و روحی داشته باشد .
ماد % سه . — به عنوان یک جوان ، د انشجویی وظیفه د ارد جزئی از نیروی جوانی ملی و بین المللی باشد .
ماد % چهار . — به عنوان کارگر د انشجویی کار و استراحت د بهترین شرائط را با استقلال مدی — چه فردی ، چه اجتماعی — د ارد و ضامن آن اجرای آزادانه حقوق صنفی اوست .
ماد % پنج . — به عنوان کارگر ، د انشجویی د ارد بهترین صلاحیت فنی را برای خود بد ست آورد .
ماد % شش . — به عنوان روشنفکر (یا کارگر فکری) د انشجویی د ارد د رجستجوی حقیقت و شرط نخستین آن آزادی
ماد % هفت . — به عنوان روشنفکر ، د انشجویی وظیفه د ارد :

— تشریح ، بسط و دفاع از حقیقت را به عهد د گیرد ؛
— از آزادی د مقابل هرگونه فشار دفاع کند و این برای روشنفکر مد س ترین وظیفه است .
بدین ترتیب ، برای اولین مرتبه به نحو آشکاری نهضت د انشجویی د ر ساختمان یک اجتماع تعریف و توصیف می شود .

ونهفت د انشجوی فرانسه ، از مرحله خواهرشنمائی مود بانه ، وارد مرحله جد بد مبارزه سند یگائی می شود .
دوین حاد شه مهم این دوران تصویب قانون بیمه اجتماعی برای د انشجویان است (د رسال ۱۹۴۸) . وسوسین حاد شه مهم گوشش قابل ملاحظه اتحاد یه ملی برای عمومی کردن (د موکراتیزاسیون) مسئله تعلیمات است . مسئله کله هزینه به د انشجویان برای از میان بردن مشکل ط دی د ورود به د انشگاه از طرف سازمان های دیگر اعم از کارگری و مد هی باشد پشتیبانی می شود . به زودی اتحاد یه ملی د انشجویان د رجوار خود اتحاد یه ملی د انشسرهاود ارس بزرگ راهی باید دید بین ترتیب قدرت و نفوذ د نیای د انشجویی به سرعت افزوده می شود . موازی با آن کله د ولت به د انشجویان بالامی رود . د رسال ۱۹۴۷ ، میزان کله د ولت به د انشجویان ۲۹۶ میلیون فرانک بود . د رسال ۱۹۵۷ این رقم تا ۷۳۰ میلیون فرانک (یعنی سه برابر) بالامی رود و این ممکن نبود مگر با مبارزه سند یگائی صحیح . باید د نظر داشت که طر تفکرتود د انشجویان بعد از جنگ بهوض انقلابی و سرپی د گرگین شد . د زمان جنگ جوان هاود انشجویان د رصف اول جبهه ها با نهفت مقاومت ملی قرار داشتند و این امر به آنها فهماند که تاچه حد بی علائقی به امور ملی واجتماعی و مبارزات صنفی اشتباه بزرگ و غیر قابل بخششی است .

مقصود ما از ذکر این مختصر آن نیست که اتحاد یه ملی د انشجویان فرانسه را به عنوان نمونه و مثال کامل وی عیب معرفی کنیم ، چه هنوز د اخل این اتحاد یه عیوب و نواقص فراوان وجود د ارد که مورد انتقاد شد بد ماست . منظور د آوری راهی بود که یک اتحاد یه د انشجویی د مدت پنجا سال عمر خود پیوده است . ما از تجربیات آن می توانیم د رس ها بگیریم تا برای آینده نهفت د انشجویی خود مسلح تر و کارآمد تر باشیم .

xalvat.com

سند یگالیسم د انشجویی چیست و آیا حق وجود د ارد ؟

از موقعی که د موکراسی بر حکومت های مطلقه سابق ، د رسیاری از کشورها ، پیرو شد و تعیین سرنوشت ملت ها به آراء عمومی سپرد شد ، طبقات مختلف اجتماع برای بدست آوردن شرائط بهتری برای کاروندگی ، شروع بد تشکیل سازمان های صنفی نمودند . تعریف هائی که د دوران کلاسیک از سند یگالیسم شد ، همه د رین مورد متفق القولند که سند یگ عیار تست از اجتماع افراد یک طبقه ، صرف نظرا بر تعاید د بنی ، فلسفی و سیاسی ، برای بهبود وضع آن طبقه وهم برای د فاع از منافع مشترکی که بین افراد آن طبقه موجود ست . صنفی چون سند یگ های آن زمان همه از نوع کارگری بود ند ، این نکته یعنی خاصیت مزد گیری د برای افراد یک سازمان صنفی خود بخود د تعریف سند یگاجانده شد : د سند یگ عیار تست از اجتماع مزد گیران که می خواهند بهبود ی د شرائط کارشان ایجاد کنند . د این تعریف آن زمان باعث شد د است که عد د ای د زمان ماری این کلمه د مزد گیری د تکیه کنند و به این ترتیب وجود سند یگالیسم د انشجویی رانفی نمایند و برای آن محلی از اعراب قائل نباشند . نکته دیگری هم اغلب د راسته لال این عد د بد می شود و آن اینست که د انشجویان طبقه اجتماعی خاصی نیستند و وابسته به طبقات گوناگون و احیاناً متناقضی باشند ، بنا برین وجود سند یگالیسم د انشجویی برای آنها معنی ند ارد . د پرفسور وواوین (WOLFF) رئیس افتخاری د انشگاه حقوق نانسی د رسال ۱۹۵۳ کتابی ز عنوان « سند یگالیسم د انشجویی » منتشر کرد د است و ازین نظریه شد بد آ طرفداری نمود د است . وی روی کلمه د مزد گیری د تکیه نمود د وسند یگالیسم د انشجویی رانفی می کند و متذکر می شود که کله مالی که به د انشجویی شود از نهر حقوقی د ستود - یعنی مزد د مقابل نیروی کار یا شناسائی او - به حساب نمی آید . بنظری د د انشجویی خود کاری کند ، نه برای کار فرما و علاوه د وجود سند یگالیسم د انشجویی مضراست : د ر اخل د انشگاه محیط عدم اعتماد بد گمانی بین استاد و انشجویی وجود می آید ، چون خیلی زود این تمایل بد می شود که استاد کار فرماود انشجو کارگر طعد اد شوند . استاد وواوین همچنین ازین امر وحشت د ارد که بعد ها سند یگائی د انشجویی بوسیله سند یگ های کارگری هضم و جذب شود و بدین ترتیب تجزیه فرهنگ شد بد تر کرد د و د جسم بپروخ فائی آید .

جواب این ایرادات را به دودانشجو واگذار می‌کنیم به نام دُلا فورنییر *de la Fournière* و بورلا *Borella* که در سال ۱۹۵۷-۱۹۵۶ به ترتیب رئیس اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه و مشاور حقوقی آن اتحادیه بودند. این دودرکایی که در سال ۱۹۵۷ زیرعنوان «سند پگالیسم دانشجویی» طبع کرده‌اند، به این ایرادات این‌گونه پاسخ می‌دهند: «... درحقیقت مرجع قانون نیست که یک اجتماع را می‌تواند توصیف کند، بلکه این کارآن اجتماع است که توصیف کننده آنست. تا قبل از ۱۹۴۶، کارمندان دولت نمی‌توانستند بموجب قانون ۱۹۰۱ سند پگال داشته باشند؟ معذرت آنجا از لحاظ طرزکار، یک سند پگال بود... دانشجویان مستکس در نظر اول شخصی باشد که از دستگاه‌های عمومی استفاده کند ولی درواقع آموزش یک سرویس همگانی مثل پست و راه نیست، آینه ملت چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی وابسته به طرزکار دستگاه آموزش است و کار دانشجویان ارزش اقتصاد پست، به علاوه مسئله سند پگالیسم اکنون دیگر از چارچوب قدیمی خود خارج شده و حوادث اخیر جهانی چه در رژیم‌های سرمایه‌داری و چه در رژیم‌های دسته‌جمعی درین باره شواهد زیادی دارد.» در مورد ایرادی که پرفسور واران به سند پگالیسم دانشجویی وارد می‌دهد، برای بدست آوردن مختصر به بیودر شرایط مادی زندگی خود، دانشجویان آزادی بشری خوش‌بختی را که مقدس‌ترین اصول است از دست می‌دهد «دانشجویان نامیده در بالا جواب می‌دهند: «این در مقابل هم قراردادن آزادی بشری و بهبود شرایط مادی نمونه‌ای از شمارهای واهی است که از یک فرمالیسم غیرواقع‌بینانه سرچشمه می‌گیرد... برای یک معدنچی که در زیرزمین کار می‌کند و در تلاش معاش تحصیلش را رها کرده است، آزادی تحصیل و استقلال دانشگاه چه معنی می‌دهد؟ برای دانشجویی که مجبور است شب‌کار کند تا خرج زندگی خود را در آورد این آزادی را از او چه مغبوبی است؟ سند پگالیسم دانشجویی درست هدفش برهم زدن این تضاد واهی بین «وضع مادی» و «آزادی انسانی» است. و درین راه، هیچ چیز و هیچ کس نه در دولت نه در ادارات، نه اشخاص خیر و نه سند پگال‌های کارگری نمی‌تواند جانفشانی کند و بدین ترتیب بدیده می‌شود که طبقات جوان دیگر زیر بار تعریف‌های قانونی زمان گذشته نمی‌روند؛ آنها چارچوب قوانین قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را برای خود بسیار تنگ و خفه کننده و حس می‌کنند و کم‌کم به نقش‌بزرگ و تاریخی خود به عنوان کارمندان می‌پیوندند. طرز فکر و معتقدات دانشمندان و روشنفکران گذشته هرچه باشد، حقایق و مشاهدات روزمره دیگر به نسل جوان اجازه تجدید و تکلیف را در بالای کتاب‌های درسی نمی‌دهد و موازی با کار علمی و فرهنگی دانشجویان، تاریخ عصر حاضر و وظائف اجتماعی بسیاری به میدان گذاشته که باید ایشان را و زندگی و ترقی سند پگالیسم دانشجویی از اعلام ابتدائی و غیرقابل اجتناب آنست.

ولی سند پگالیسم دانشجویی خود مسائلی را پیش می‌آورد که لازمست یک یک مورد در وقت و مطالعه قرار گیرند.

(ادامه دارد)

xalvat.com

منوچهر هزارخانی

در شماره آینده:

کلیک به دانشجویان - کلیک به نوآموزان - دانشجویان دانشگاه - کار دانشگاهی -
شرایط کار دانشگاهی - آزمایشگاه و کتابخانه: ابزار کار دانشجوی - حقوق دانشجوی -
دانشجو و استاد - دانشجویان اجتماع - سند پگالیسم دانشجویی و سیاست - روابط
بین‌المللی سند پگالیسم دانشجویی - نتیجه.

صد واژه اقتصادی

XXXXXXXXXX

ازین پس «نامه پرسی» کوششی کند تا در هر شماره مشتق از لغات و اصطلاحات یکی از رشته های علوم و هنرها را جمع آوری کرده برای هر يك از آنها معادلی در زبان فارسی بدست دهد.

این کوشش که با نشر صد واژه اقتصادی «همکارگرمی آقای ویلاسی آغاز می شود» در آینده نیز به یاری و یاوران صاحب نظران و دانشجویان دنبال خواهد شد. بهر حال قند انست که با بحث و گفتگو درباره واژه های پیشنهادی درستی و نادرستی آنها را تمییز کند و بدین ترتیب کوششی درونی تر ساختن زبان شیرین فارسی بنماید. اما برای آنکه چنین کوششی زود تر و بهتر به نتیجه برسد لازمست که پژوهندگان از روش کار واحدی پیروی کنند:

۱- بهشتر به ترجمه اصطلاحاتی که همه دانشمندان یک رشته در آثار خود به کار می برند، توجه شود. چه هر دانشمند، در بیان فکر و نظریه خود، اصطلاحات تازه ای می آفریند و به آن معنی و مفهوم خاصی می بخشد. این اصطلاحات مؤلف آنها هنگامی در شماره اصطلاحات علمی در پی آنید که فکر و نظر دانشمند لغت ساز در نیای علم به بحث و گفتگو نهاد شود و آگاهی از معنی و مفهوم آن بر هر دانش پژوهی واجب شمرده شود.

۲- پژوهنده می بایست از هر فصل از فصل های علمی چند لغت ترجمه کند و این واژه های پیشنهادی خود را در متن فارسی در قیاس و مختصری بکار برد تا خواننده به استفاده از لغات قادر شود و بهتر بتواند در وقت و مطلوبی آنها را اقتضات کند (این همان روشی است که کارشناسان سازمان طلب در تدوین فرهنگ چند زبانی اصطلاحات علم جمعیت اختیار کرده اند). به این ترتیب پژوهنده در راستای واژه های پیشنهادی خود را در متنی فارسی بکار برد و سپس آنها را همراه با اصل آلمانی، انگلیسی یا فرانسوی خود در آخر مقاله ذکر کند. بدیهی است که با نمره گذاری اصطلاحات متن فارسی، به آسانی لغات معادل خارجی را پیدا می توان کرد.

۳- پژوهنده می بایست میان لغاتی که خود ترجمه کرده است با آنچه دیگران کرده اند تمیز نگذارد و حتی المقدور رجحانیه مقاله منابع و مراجع خود را ذکر نماید.

«نامه پرسی»

کسانی که به کار ترجمه نوشته های اقتصادی و اجتماعی از زبان های بیگانه به فارسی می پردازند، غالباً خود را بطور ناگهانی و غیرمنتظره از برگرداندن بسیاری از واژه های خیلی معمولی این علوم ناتوان می یابند. آشکارست که این ناتوانی را به هیچ وجه نمی توان دلیل بر نقص و محدودیت زبان فارسی شمرد. برعکس یکی از خصوصیات پس میهم زبان ما «گش پزیری» است. بدین معنی که به یاری پیشوند ها و پسوند های گوناگون - که خوشبختانه شماره آنها در زبان

xalvat.com

بهینا و زبان است — می توان بسیاری واژه های نو ساخت و وارد زبان فارسی کرد و جزو رموارد استثنائی نیازی به بکار بردن واژه های نازیبا و نامفهوم زبان های بیگانه نیست.

البته " ساختن و وارد کردن " واژه در یک زبان اصولاً کار منطقی نیست، زیرا که زبان باید خود بطور طبیعی یک دوره تحولندی ریجی را بپیماید و در مجرای پریچ و خم زمان ، شکل گیرد . عبارت دیگر " واژه سازی " زبان را بی روح و تهی می — سازد و از تحول طبیعی آن جلوگیری می نماید . بدینسانه شرائطی که زبان فارسی در سال های گذشته در آن " مجبور " به رشد بوده است ، پیروی از اصل " تحول طبیعی " را اگر نامکن نکرد ، باشد ، بسی مشکل نموده است . بیش از پنجاه سال پیش کشور ما خود را ناگهان در محاصره سیل تمدن واد بیات مغرب زمین یافت . دروازه های ایران به روی " فرهنگ " باز شد و گروهی از " متجددین " چون تشنگانی که ناگهان خود را در برابر چشمه آب پابنده آزندانه و در برخی موارد سهل انگارانه به برگرداندن آثار ادبی و علمی غرب پرداختند . در حقیقت " هجوم " تمدن بیگانه ، انتقالی بود که تحول طبیعی زبان فارسی را بیکباره برهم زد و آن را به زبان " یا جوج و ما جوج " بدل نمود . ناآشنا که " تجاوز به حق الفاظ " بیکاربردن واژه های گنگ و نازیبا و استفاده از تعابیر زبان های اجنبی ، اکنون کاری متداول و عادی شده است . از همه بدتر ، بسیاری از این واژه های غلط با نارسا در توانم کشور ما راه یافته اند و ن تردید چون د افی ننگین در ست کم برای مدتی طولانی ، بر دیگر زبان ما باقی خواهند ماند .

در چنین شرائطی ، نگارنده برای مبارزه با نویسنده کان و مترجمان ، تجاوز کار و مد اوای " الفاظ بهمار " و راه پیشنهاد می کند : راه نخست که در حقیقت راه اصلی است و مطمئناً نیز با مخالفت شد بدتری روی خواهد شد ، تشکیل هر چه زودتر یک فرهنگستان برای بررسی و تجدید نظر واژه های علمی متداول و پیشنهاد واژه های نوی باشد . لازم به گوشزد نیست که هنوز بسیاری از کلمه متعصبین ، به سبب افراط شخصی و یا به بهانه حمایت از زبان اجدادی ، به با تشکیل هرگونه فرهنگستانی لجبازانه مخالفت می ورزند . ولی آیا انصاف است که چون در گذشته درین مورد اشتباهاتی شده است برای ابد از هرچه فرهنگستان و عضو فرهنگستان ترسید و به چشم شاهد ناپودی تمدن ریجی زبان فارسی بود ؟ درست است که فکر تشکیل فرهنگستان خالی از بسیاری دشواری هانیمست ، لیکن باید از تجویزات گذشته برای رفع آنها گذشت .

راه دوم که خوشبختانه در شرائط کنونی مقدورتر از راه نخست به نظر می رسد ، شروع یک بحث جدی در باره واژه های علمی و جمع آوری و پیشنهاد واژه های صحیح از طرف محصلین علوم — بویژه علوم اجتماعی — است . نگارنده برای ادای وظیفه نسبی خویش ، از ما گذشته به گردآوری واژه های علم اقتصاد مشغول بوده است . در زیر صد تا از این واژه ها و بر آنهاد را انگلیسی (۱) از نظر خواننده گان می گذرد . واژه هایی که در مقابل آنها ستاره (x) گذاشته شده برای نخستین بار پیشنهاد شده اند (یا لاتل نگارنده تاکنون آنها را در جای دیگر ندیده است) ؛ بقیه از زبان واژه های متداول برگزیده شده اند . در پایان معتقدم که کار من به هیچ وجه از عیب و خطا برکنار نیست و امیدوارم که خواننده نکته سنج مرا از انتقادات و نظرات سودمند خویش بی بهره نگذارد .

زبان سیاسی

xalvat.com

Capital	سرمایه	Capital
x Capital Levy	مالیات بر سرمایه	Impôt sur le capital
x Capital Market	بازار سرمایه	Marché du capital
x Capital Movement	گردش سرمایه	Mouvement des capitaux

(۱) درین شماره سعی شد تا معادل فرانسوی اصطلاحاتی را که آقای زبلا سیاسی از انگلیسی ترجمه کرده اند بدست داد و شود . اما این امر در همه موارد امکان پذیر نکرد . گاهی می توانستیم معادل آلمانی این اصطلاحات را نیز بدست شماره درج کنیم !

Capitalism	سرمایه داری	Capitalisme
Census	سرشماری	Recensement
x Census of production	آمار تولید	Statistique de production
Central bank	بانک مرکزی	Banque d'émission
Cheap	ارزان	Bon marché
x Cheap Money	پول ارزان	Monnaie à bon marché
Cheque	چک	Chèque
Choice	انتخاب	Choix
x Circulating capital	سرمایه جاری	Capital circulant
x Cobweb theorem	قضیه تار عنکبوت	Théorème de toile d'araignée
x Collective bargaining	چانه زدن همگانی	
x Combined demand	تقاضای مختلط (مجموع تقاضای خریدار و فروشنده)	Demande composée
Commerce	بازرگانی، داد و ستد، تجارت	Commerce
Commercial	بازگانی (صفت)، تجاری	Commercial
Commercial Bank	بانک بازرگانی	Banque de Commerce
Commercial code	قانون تجارت	Code de commerce
x Comparative cost	هزینه نسبی	Coût moyen
Competition	رقابت	Concurrence
x Complementary demand	تقاضای مکمل	Demande complémentaire
x Composite supply	عرضه مشترک	Offre composée
Concentration	تمرکز	Concentration
Consumer	مصرف کننده	Consommateur
Consumption	مصرف	Consommation
Contract	قرارداد	Contrat
Controlled Economy	اقتصاد رهبری شده	Economie dirigée
Cooperative Society	شرکت تعاونی	Société coopérative
Cost	هزینه	Coût
Cost of Living Index	نمودار هزینه	Indice du coût de la vie
Number	زندگی	
Cost of production	هزینه تولید	Coût de production
x Cross Elasticity	کشش پذیری مرکب	Elasticité croisée
Current Account	حساب جاری	Compte courant
Custom House	گمرک خانه	Douane
Cyclical Unemployment	بیکاری ادواری	Chomage cyclique
Data	دانسته ها	Données

Deposit account	حساب پس‌انداز	Compte de dépôt
× Derived demand	تقاضای مشتق	Demande dérivée
× Diminishing Utility	سود مندی کاهنده	Utilité décroissante
× Direct cost	هزینه مستقیم (متغیر)	Coût proportionnel(variable)
Distribution	پخش	Distribution
× Divisibility	بخش‌پذیری	Divisibilité
× Double Counting	دو بار شماری	Double compte
× Dwopoly	دو انحصاری	Duopole
Economic	اقتصادی	Economique
× Economic Goods	فراورده (های) اقتصادی	Biens économiques
Economist	اقتصاددان، صرفه‌جو	Economiste
Efficiency	کارایی	Efficience
× Elasticity of demand	کشش‌پذیری تقاضا	Elasticité de la demande
× _ _ supply	کشش‌پذیری عرضه	_ _ l'offre
Entrepreneur	کارفرما	Entrepreneur
Estimation	اندزهای	Estimation, Evaluation
Exchange value	ارزش مبادله (به قیمت)	Valeur d'échange
× Extractive industries	صنایع آهیکتی	Industries extractives
Imperfect competition	رقابت ناقص	Concurrence imparfaite
× Imperfect oligopoly	چند انحصاری نامص	Oligopolie imparfaite
Income	درآمد	Revenu
Income Tax	مالیات بر درآمد	Impôt sur le revenu
× Income-consumption	منحنی درآمد - مصرف	Courbe du revenu-consom-
× Indifference curve	منحنی بی تفاوتی	mation courbe d'Indifférence
× Increasing Returns	بهره فزاینده	Rendement croissant(?)
Indirect Tax	مالیات غیرمستقیم	Impôt indirect
× Indivisibility	بخش‌ناپذیری	Indivisibilité
Industrial	صنعتی	Industriel
× Inelastic	کشش‌ناپذیر	Inélastique
× Inelasticity	کشش‌ناپذیری	Inélasticité
× Inequality of incomes	نابرابری درآمد ها	Inégalité des revenus
× Infant Industries	صنایع نوزاد	Industries naissantes
× Inheritance Tax	مالیات بر ارث	(jeunes industries) Droits de succession
Insurance	بیمه	Assurance
Interest	بهره	Intérêt
Investor	سرمایه‌گذار	Investisseur

Irrigation	آبیاری	Irrigation
Marginal productivity	بارآوری واپسین	Productivité marginale
Marginal utility	سود مندی واپسین	Utilité marginale
Market price	قیمت بازار	Prix de marché
x Money in circulation	پول در گردش	Monnaie en circulation
x Money income	درآمد اسمی	Revenu nominal
x Money market	بازار پول	Marché monétaire
Monopoly	انحصار (فروش)	Monopole
x Passive Factors	عوامل انفعالی	Facteurs de production
	(سرمایه ، زمین ، کار)	
x Prime cost	هزینه اصلی (متغیر)	Coût variable non propor-
x Product	فرآورده	Produit tionnel
Production	تولید ، فرآورده	Production
x Productivity	بارآوری	Productivité
x Profit tax	مالیات بر سود	Impôt sur le profit com-
x Proportional taxation	مالیات نسبی	Impôt progressif
x Pure competition	رقابت مطلق	Concurrence parfaite
x Pure economy	اقتصاد نظری	Economie pure
Saving Bank	بانک پس انداز	Banque de dépôts
x Scale of production	میزان تولید	taux de production
x Selling cost	هزینه فروش	Coût de vente
Specialization	تخصص	Spécialisation
x Specific factor	عامل ویژه	
x Specific tax	مالیات ویژه	
x Supplementary cost	هزینه متمم (ثابت)	Coût supplémentaire(fixe)
x Stationary Economy	اقتصاد راگ	Economie stationnaire
Supply	عرضه	Offre

اخبار سازمان
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

هیئت تحریریه محترم نامه پرسی ،
مدت بسیار است که دانشجویان ایرانی مقیم اروپا انتظار انتشار نامه وزینی را که ناشر افکار دانشجویان ایرانی در اروپا باشد ، داشتند . با چاپ و انتشار نامه پرسی ، که به همت و فعالیت اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه انجام پذیرفته ، این آرزو برآورده گردید . است . جامعه تنویر فارغ التحصیلان ایرانی مقیم وست فالن از صمیم قلب این قدم برجسته دانشجویان فرانسه را ستود و همکاری خود را در امور اجتماعی و ایجاد همبستگی و تحکیم روابط بین سازمان های دانشجویی اعلام می دارد .

از طرف جامعه فارغ التحصیلان ایرانی مقیم وست فالن
د کثرو اللہ حمزہ کثری اصغر مؤمنی ، د کثرویز مشکریز ، د کثرفرهاد فرهنگ ی

هیئت اجراییه سازمان دانشجویان ایرانی در فرانسه ،
نامه شما جهت انجمن دانشجویان ایرانی در توپینگن به ما رسید . بانهایت شادمانی امام کی این انجمن را برای همه گونه همکاری با دوستان گرامی در فرانسه نوید میدهیم در این جایی شاسیت نمی دانیم در باره اتحادیه خود در توپینگن در اختیار شما بگذاریم . انجمن ما در واسطه د ساحر ۱۹۵۸ تأسیس گردید و از آن پس مرتب همه هفته تشکیل جلسه داد و است . هدف این انجمن در درجه اول شناساندن تمدن واقعی ایران و تاریخ کهنسال ما به مردم آلمان است . ازین رو اولین گام مثبت را در نوویرسال ۱۳۳۸ با ترتیب دادن یک جشن ملی برداشت . درین جشن عدد زیادی از شخصیت ها و استادان دانشگاه توپینگن حضور داشتند . ضمن سخنرانی های گوناگون در باره تمدن و فرهنگ د ایران و نوویرستانی ، مطالب جالب و جامعی نیز درخصوص هنر و هنرمندان واد باو شعرای بزرگ ایران (خاصه حافظ شیراز که در میان مردم این سرزمین شهرت و محبوبیت بسیاری دارد) بیان شد در جلسات انجمن بحثی در باره شرق و غرب و تفاوت آنها ترتیب داد و ایم . این مباحثه که هنوز ادامه و با مسائل اجتماعی و فلسفی سروکار دارد ، سبب کسب اطلاعات بیشتری برای همگی ما گردید . است . همه هفته مذاکراتی هم در باره راه ما دانشجویان در تحصیلات خود و چاره اندیشی ها به عمل می آید . با در نظر گرفتن هدف این انجمن ، به هیچ یک از ما پوشیده نیست . مجله نامه پرسی که تنها مجله ناشر افکار دانشجویان ایرانی و حاوی مطالب بسیار رسو و منطقی و قابل استفاده برای کلیه همکاران ما است ، بی انداز و مورد استفاده عموم دانشجویان قرارخواهد گرفت . . . در ضمن اگر هیأت مدیره نامه پرسی اظهار تمایل و علاقه ای به درج بحث های ما درین مجله کند ، بانهایت اشتیاق شمه ای از مد اکرات هفتگی خود را ارسال خواهیم داشت .

از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در توپینگن
سپیدخت د هس - پهمن نیرومند - امیر تیمور ناصحی

xalvat.com

اخبار سازمان دانشجویان ایرانی مقیم هانور
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

مجمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی مقیم هانور در تاریخ یازده نوامبر ۹۰ جهت انتخاب هیئت کارداران در زمستر ۱۰-۹۰ تشکیل گردید . پس از گزارش هیئت کارداران زمسترناستانی ، انتخابات زمستر زمستانی انجام شد و آقایان زیر انتخاب شدند :

۵- عباسعلی گللی منش

۳- داود بیت الله

۱- هاشم امین

۲- حبیب اسفهلانی

۴- احمد زمانفر

xalvat.com

اخبار سازمان دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

۱- جلسه عمومی سازمان صنفی دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان روز جمعه ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۸ تشکیل شد. پس از قرائت گزارشات، اعضای هیئت کارداران زمسترنگ شته (دوره تحصیلی تابستان ۱۹۵۱) طبق معمول استعفا دادند و بلافاصله برای انتخاب کارداران دوره تحصیلی زمستانی ۶۰-۹۱ اخذ رای به عمل آمد و آقایان نامبرده در ذیل پس از انتخاب شدن مسئولیت هارابدین ترتیب میان خود تقسیم نمودند :

- ۱- مهدی پوروهاب - امور تشکیلات ۳- پرویز شریفی - امور مالی ۵- فرخ حسینی
۲- حسنعلی نوروزی - ارتباطات ۴- اصغر شیرازی - امور اداری

۲- روز چهارشنبه ششم مرداد ماه ۳۸ سازمان دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان جشنی به نام " شب ایران " ترتیب داد. در این جشن، به کمک تصاویری که در روی پرده منعکس میشد، شرح جالبی درباره اوضاع تاریخی، جغرافیائی و هنری ایران به وسیله آقای منوچهر آشتیانی داده شد. آقای سعید خدیو قطعاتی را که خود ساخته بودند با بیان توانا خنند و خانم سیمین رجائی، مطالبی درباره موسیقی ایران بیان داشتند. در این شب، نمایشگاه کوچکی از کارهای دستی هنری ایران ترتیب داده شد و بود و کارت هایی که بروی آنها رباعیات غنیمت به پنج زبان همراه با تصاویری چاپ شده، میان مدعوین پخش گردید. برنامه های این جشن بی اندازه مورد قبول و تحسین مدعوین قرار گرفت و مطبوعات و مقامات دانشگاهی آن شهر با بکارت ورودی دانشجویان ایرانی راستودند.

۳- آمار دقیق دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان :

پزشکی	۷۱	نفر
دندان پزشکی	۴	-
فلسفه	۶	-
حقوق	۳	-
علوم اجتماعی و اقتصادی	۳	-
شیمی	۲	-
زبان	۱۳	-
جمع	۱۰۲	نفر

اخبار اتحادیه دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

۱- بنا بر اقدامات هیئت اجراییه سازمان دانشجویان ایرانی دانشگاه همدان و دعوت کارخانه رنگ و اروسازی هوخست (Hoechst) واقع در فرانکفورت (آلمان غربی) بهیست و پنج نفر از پزشکان و دانشجویان پزشکی ایرانی در هامبورگ از اول تا سوم نوامبر ۹۱ بازدیدی از کارخانه مزبور بعمل آوردند. مخارج رفت و بازگشت و غذا اوسکن را کارخانه نامبرده به عهده گرفته بود و در مسالین سخنرانی کارخانه آقای دکتر روتنبرگ (Dr. Rotenber) سخنرانی جالبی درباره تهیه دارو، بیلان فروش، اختراعات و اکتشافات روزافزون در دنیاى جدیده، نمودند که بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

۲- در تاریخ ۱۲ دسامبر ۵۱، مجمع عمومی دانشجویان ایرانی دانشگاه هامبورگ با حضور ۵ نفر تشکیل شد. در این جلسه، اساسنامه جدید به تصویب رسید و به منظور ایجاد همبستگی بیشتر میان دانشجویان ایرانی نام " سازمان "

به «اتحادیه» مبدل گردید. هیئت اجراییه جدید برای زمسترنهستانی ۶۰-۹۰ بقرار زیرست :

- ۱- دوشیزه فتحیه فتحی مسئول ارتباطات
- ۲- آقای خسرو نیکام ورزش
- ۳- " اریک هادویگر تبلیغات
- ۴- " چنگیز پشی مالی
- ۵- " محمد جاسمی تشکیلات

xalvat.com

۳- آمار دقیق دانشجویان ایرانی در هامبورگ :

پزشکی	۴۵ نفر
اقتصاد و علوم اجتماعی	۱۳ -
فلسفه	۱ -
علوم ریاضی و طبیعی	۸ -
دندان پزشکی	۷ -
حقوق	۳ -
جمع	۸۵ نفر

اخبار اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بررسی و تحقیق و آشنائی بیشتر با مسائل و مشکلات مردم میهن ما و در نتیجه کوشش برای یافتن راه حل های منطقی و عملی ، مطلبی است که ضرورت آن مورد شک و تردید هیچ ایرانی وطن دوستی نمی تواند قرار گیرد . درست است که آشنائی با جوامع مترقی و زیستن در چنین جوامعی در بالا بردن میزان درک علمی و اجتماعی ما تاثیر فراوان دارد ، ولی اگر به موازات آن ارتباط خود را بطور زننده و فعال ، با جامعه خویش و مسائل و مشکلات آن حفظ نکنیم ، این خطر موجود است که پس از چند سالی دوری وجدانی ، بیگانگی هائی احساس کنیم که بی هیچ گمان هم برای خود ما و هم برای جامعه ای که چشم امید به ما دوخته است ، بی انداز زیان آور خواهد بود .

بنابراین ضرورت ، هیئت اجراییه اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه چندی پیش تصمیم گرفت همراه جلسه سخنرانی و بحث و انتقاد ی ترتیب دهد تا هریک از مسائل علمی و اجتماعی جالب توجه میهن ما مورد بحث و فحص دانشجویان و دانش پژوهان ایرانی قرار گیرد .

۱- در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹ آقای رولان میشو (Roland Michaud) شرح جالبی در باره مشاهدات خود در ایران دادند . جهانگرد نامبرده در سال گذشته از راه زمین مسافرتی به ایران نمود و از شهرهای بزرگ و کوچک میهن ما دیدار کرد و باستو با طهظت مختلف مردم ایران تماس های فراوان داشته . این برخورد ها به او اطلاعات و آشنائی های فراوان در باره اوضاع و احوال جامعه ایران داد که آن را به کمک عکس های رنگی و زبانی که جهانگرد دیگری به نام آندره بوته (André Bouet) تهیه کرد و بود و بروی پرده منعکس میگشت با بیانی شیوا به زبان فرانسه برای حضار شرح داد . سپس بحث عمومی در گرفت و سئوالاتی مطرح شد که سخنران نامبرده به آنها پاسخ داد .

۲- در تاریخ ۸ دسامبر ۵۹ به دعوت هیئت اجراییه مجلس سخنرانی و بحث عمومی در باره "چوب آزادی زنان" تشکیل شد . ابتدا خانم کوکب صفاری و سپس آقای گیوان آذری درین باره سخنرانی جالب و متدلی نمودند . خلاصه گفتار خانم صفاری در صفحه ۱۵۰ همین شماره درج شد . متن سخنرانی آقای آذری در شماره آینده چاپ خواهد شد .

مرگ نیما یوشیج و بنیان گذار شعر نوین پارسی

از ملک ادب حکم گذاران همه رفتند

بهار

xalvat.com

خبر آمد که نیما رفت؛ از شمار خرد هزاران کم.

نیما نوسرانی را در شعر پارسی پایه نهاد. ادبیان محافظه کار بر او شوریدند و هنر آزاد و اش را به سخره گرفتند. اما آتشی که مرد مازندران روشن کرد و بود، جان گرفت و هردم پیوسید و ها و گرد و خاک آلود و ها را بیشتر سوخت.

هنر نیما شعر پارسی را به یکباره از بند های سنگین ستم قدیم رهائی داد و نظم سرایان را از جرگه هنرمندان بیرون شناخت و شاعران را راهی نوین عرضه کرد.

نیما در آغاز کار به « قافیه پر ازی » شورش برد و در « افسانه » خود (۱۳۰۱) از شعر موزون و بی قافیه دنیال کرد. اشعار این زمان او، که بر اساس ساختن قالب های جدید از ترکیب قالب های عروضی قدیم و احتراز از قافیه است، بیشتر رد و رد های نخستین مجله موسیقی به چاپ رسید (۱۳۱۷-۲۰) و بلند ی گفتارش همه شعر و دستان زند و دل را در خود گرفت و در میان شاعران جوان خرید اریافت. ازین پس شاعر « افسانه » کم کم از تصویف و صحن و وزن و هم گریزان شد و در شعر خود تنها به « آهنگ کلام » دل بست. آثار سال های اخیر وی نمونه ای از این کوشش هاست. — نیما تنها به قالب شکی بسند و نکرد: مفاهیم و مضامین تازه ای که در شعر خود بکار برد، یکسره بازار کهنه فروشان را گساده کرد و شعر پارسی را جان داد.

نیما عمری در یافتن راه های نوین شاعری تلاشید و کوشید. اما همه جا این تلاش و کوشش با کمال دلخواه همراه نمی شد. در کارگاه ام شاعر هست که جز زیبایی و کمال چیزی نمی یابیم؟ بیشتری از شعرای نوسرای امروزیان پارسی، اگر هم سرانجام به راهی دیگر رفتند، در آغاز کار بدنیال نیما گام نهادند و تأثیر او را بر خود پذیرفتند.

از آثار او علاوه بر آنچه در ماهنامه ها و هفته نامه های پارسی انتشار یافته، باید از منظومه های « قصه رنگ پرید » (۱۲۹۹) « افسانه » (۱۳۰۱) « خانواده » (۱۳۰۴) و « مانیلی » (۱۳۳۶) و کتاب « د و نامه » (۱۳۲۹) یاد کرد. بسیاری از اشعار او از دسترس و دست ازان بدورست. جای آن دارد که ناشران کتاب به چاپ کامل آثار این شاعر گرانقد روی کار دست یازند و هواداران شعر نوین پارسی را با مشتق از مهم ترین و زیباترین نمونه های آن آشنا کنند.

مرد کوتاه و ساد و دلی که جهان را شاعرانه می دید و جز به شعر به چیزی نمی اندیشید، از میان ما رفت. افسوس! که افسانه سرایان همه خفتند. افسوس! که اندوه گساران همه رفتند. « نامه پارسی »

نامه پرسی

نشر افکار دانشجویان ایران در اروپا

مجله فرهنگی ، علمی ، هنری

هر سه ماه یکبار نشر میشود

xalvat.com

مهمبر افتخار : دکتر محمد صفر میرزایی

زیر نظر بهت تحریریه

نشان بوقت :

Revue Persane

c/o Amir Pichdad

55, Rue Caulaincourt

Paris (18°) FRANCE

NAME-YE PARSI

(Revue Persane)

Directeur : Dr.A.-A. HARIRI

Revue Trimestrielle

1ère année N° 3 Janvier 1960

Imprimeur:

Impressions Commerciales

55, Rue d'Amsterdam Paris

« نامهء پارسی » بهمت و با همکاری دانشجویان ایرانی در اروپا انتشار می یابد و نشانه ای از کوشش های فرهنگی و علمی و هنری ایشانست. هرنوشتهء علمی و فرهنگی که ارزش طبع و نشر داشته باشد ، در اوراق این مجله آزادانه و بحق وجود دارد و بدون تغییر و تحریف به چاپ می رسد . هرنویسنده خود مسئول افکار و عقاید هست که در مقالهء خویش بیان می دارد .

xalvat.com

به علت تراکم مطالب ، در مجلهء مقاله های رسیده و نامه های خوانندگان درین شماره میسر نشد . با عرض معذرت از دوستان و خوانندگان عزیز ، امید داریم این قصور را در شمارهء آینده ، که برای نوروز ۱۳۳۹ انتشار خواهد یافت ، جبران کنیم .

در شمارهء آینده :

اطلاعاتی درباره تحصیل پزشکی در آلمان	د گریوینژ مشکیز
خوش آمد ووداع (ازگوتنه)	ترجمهء دکتر صادق مسرت
سند یگالیم دانشجویی (۲)	منوچهر هزارخانی
خرج و دخل سلطنتی (نظری به بودجهء کل کشور)	ناصر پاکدامن
گُرستکی	امیر پیندا
اصول علمی شهرسازی (طرح تهران بزرگه)	حسن قاضی
غلل بهمران بازارقالی	ازد ری

بالای صفحه